

## روحانی: تحریم ظالمانه تسلیحاتی یکشنبه آینده رفع می شود

«اگر در روز صلح، جنگیدیم و در روز جنگ، صلح کردیم، هر دو خطا و اشتباه است. به موقع باید بااستیم و بجنگیم و به موقع باید صلح کنیم

«به مردم اطمینان می‌دهیم دولت برای تأمین ارز مورد نیاز کشور و کالاهای مورد نیاز همه توان خود را به کار می‌برد

«دولت لحظه‌ای از درد و مشکلات و مصایب مردم غافل نیست

«دولت برای مقابله با کرونا از کادر درمانی تا نیروهای مسلح، هر چه در توان داشته و توانسته انجام داده است و می‌دهد

«در سست است که مردم احساس فشار می‌کنند، اما دولت با همه توان در حال تلاش است و آن را ادامه می‌دهد

صفحه ۲

از انتشار دفتر رهبر معظم انقلاب برای روزهای سخت برای مدینه

**آخرین سخن پیامبر**

ویژه نامه «سوگنامه صفر» ضمیمه روزنامه امروز

این کتاب در ۱۲۰ صفحه به ۱۲۰ فصل تقسیم شده است و به ۱۲۰ فصل تقسیم شده است. این کتاب در ۱۲۰ صفحه به ۱۲۰ فصل تقسیم شده است و به ۱۲۰ فصل تقسیم شده است.

لکهنای هشتیستان ها

معاون استاندار کرمان: نام سردار دل‌ها در نامگذاری اماکن تازه ساخت استفاده شود

صفحه ۸

پیرهن

۲۷ شرکت سهام عدالت آماده پذیرش در بورس

صفحه ۷

والدی ایمیلت

سیری کوتاه در ادب معاصر

دکتر انوشیروان منشی‌زاده

صفحه ۶

گزارش

کرونا و کمبود نیروی انسانی در مراکز درمانی

صفحه ۵

پایه‌الاشت

کاجی بهتر از هیجی

فتح الله املی

صفحه ۲

مکتوب

اقدامی در خور تحسین

دکتر محمد علی فیاض بخش

صفحه ۲

**شرکت توزیع نیروی برق استان تهران**

**آگهی مناقصه عمومی دوم مرحله‌ای (نوبت دوم)**

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران در نظر دارد نسبت به خرید انواع سیم و روکش دار فشار متوسط، انواع کابل خودنگهدار فشار متوسط، کابل ۲۰ کیلوولت ۱۵۱۸۵ آلومینیوم کراسلینگ زره دار و انواع کنتور، کنگار دیجیتالی، به شرح جدول ذیل، براساس مشخصات فنی اعلام شده در اسناد مناقصه و استانداردهای وزارت نیرو، بین المللی و ملی از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از تولید کنندگان داخلی تهیه نماید.

شماره مناقصه	شرح کالا	واحد	مقدار/تعداد	میزان تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	شماره در یافت اسناد از سامانه تدارکات
۹۹/۹۲	سیم آلومینیوم روکش دار هاینامقطع ۱۲۶	متر	۱۲۰,۰۰۰	۱,۶۵۷,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۹۹۰۹۰۱۸۱۰۰۰۳۳
۹۹/۹۳	سیم آلومینیوم و کش دار مینگ قطع ۷۳	متر	۴۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۲۰۹۹۰۹۰۱۸۱۰۰۰۳۴
۹۹/۹۳	کابل خودنگهدار ۲۰ کیلوولت ۱۲۰ آلومینیومی	متر	۴,۰۰۰	۳,۶۲۲,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۹۹۰۹۰۱۸۱۰۰۰۳۴
۹۹/۹۴	کابل ۲۰ کیلوولت ۱۸۵ آلومینیومی کراسلینگ	متر	۲۵,۰۰۰	۱,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۹۹۰۹۰۱۸۱۰۰۰۳۵
۹۹/۹۵	کنتور کنگار دیجیتالی چهار گوش بدون قاب	عدد	۴۰,۰۰۰	۵۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۹۹۰۹۰۱۸۱۰۰۰۳۶
۹۹/۹۵	کنتور کنگار دیجیتالی چهار گوش باقاب	عدد	۱۰,۰۰۰		

فروش اسناد: شرکت های توانند از روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۰۷/۲۳ لغایت پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۰۷/۳۰ جهت دریافت اسناد به شرح ذیل و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند.

در یافت اسناد: کلیه مراحل بر گزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه، ارائه پیشنهاد مناقصه گران و باز گشتنای پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم ضوابط قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت کواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. جهت انجام مراحل عضویت در سامانه با شماره تلفن ۰۲۱-۲۱۹۹۳۳ تماس حاصل نمایند.

تاریخ تحویل (عودت) اسناد: مناقصه گران اسناد مناقصه را حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۸/۱۸ در سامانه ستاد بار گذاری و بصورت فیزیکی نیز به دبیر خانه مرکزی شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی تهران - میدان شهدا- خیابان ۱۷ شهرو شبانی

فروش اسناد: شرکت های توانند از روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۰۷/۲۳ لغایت پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۰۷/۳۰ جهت دریافت اسناد به شرح ذیل و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند.

در یافت اسناد: کلیه مراحل بر گزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه، ارائه پیشنهاد مناقصه گران و باز گشتنای پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم ضوابط قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت کواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. جهت انجام مراحل عضویت در سامانه با شماره تلفن ۰۲۱-۲۱۹۹۳۳ تماس حاصل نمایند.

تاریخ تحویل (عودت) اسناد: مناقصه گران اسناد مناقصه را حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۸/۱۸ در سامانه ستاد بار گذاری و بصورت فیزیکی نیز به دبیر خانه مرکزی شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی تهران - میدان شهدا- خیابان ۱۷ شهرو شبانی

**موسسه نیکوکاری رعد الغدیر**

**نیکوکاری را با کمک به اشتغال پایدار توان یابان تجربه کنیم.**

من نابینا هستم، اما این شاهماستدکه من را نمی بیند.

خدمات رایگان آموزش فنی و حرفه ای و توانبخشی همراه با کارآفرینی و اشتغالزایی معلولین جسمی و حرکتی

www.raad-alfghadir.org

وزارت نیرو

**آگهی مزایده عمومی شماره: ۹۹۶۰۳ نوبت اول**

شرکت مابن تخصیص تولید نیروی برق حرارتی شرکت تولید نیروی برق شهید سلیمی

شرکت تولید نیروی برق شهید سلیمی در نظر دارد «فروش برق تولیدی از توربین انبساطی نیروگاه نکا» را برابر شرایط ذیل و به شرح اطلاعات و جزئیات مندرج در اسناد مزایده از طریق مزایده عمومی به فروش برسانند. متقاضیان می‌توانند از روز پنجشنبه مورخ ۹۹/۰۷/۲۴ لغایت روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۸/۱۱ اسناد مزایده را با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: WWW.SETADIRAN.IR با شماره: ۰۰۶-۱۳۶۴۰۰۰-۱۰۹۹۰۰ در یافت نموده و ضمن بازدید در یکی از روزهای چهارشنبه ۹۹/۰۷/۳۰ ساعت ۱۰ الی ۱۲، به شنبه ۹۹/۰۸/۰۶ از ساعت ۱۰ الی ۱۵، نسبت به تکمیل و بار گذاری پاکت‌های پیشنهادی خود حداکثر تا ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۸/۱۱ در سامانه تدارکات الکترونیکی

**دانشنامه قرآن کریم**

**گردآوری اولیور لیمن ترجمه محمدحسین وقار**

قطع رحلی، ۶۲۸ صفحه، چاپ دوم

قرآن کریم کتاب آسمانی یکی از بزرگترین و با نشاطترین ادیان جهان است که امروز بیش از یک و نیم میلیارد پیرو در چهار گوشهٔ گیتی دارد. با توجه به جایگاه ممتاز و برجستهٔ این کتاب مبارک در اسلام، قرآن همواره موضوع مطالعه و مباحثه مسلمانان، غیر مسلمانان و حتی مخالفان اسلام بوده است.

هدف از تألیف دانشنامه حاضر، تدوین کتابی بوده که بتواند به طرح موضوعات قرآنی بپردازد و پاسخی مناسب و درخوری به پرسشهایی بدهد که در طول چهارده قرن حیات اسلام، دوستان و دشمنان آن مطرح کرده‌اند. این کتاب فرهنگ واژگان قرآن نیست و ادعای آن را نیز ندارد؛ بنابراین تلاشی برای شمول همه واژگان قرآن در آن نشده و تنها به اصطلاحاتی بستانده کرده که برای عموم خوانندگان مهم و مورد پرسش باشد. بدین منظور، ۴۳ استاد دانشگاه و کارشناس برجسته قرآنی، هر یک به تناسب تخصص خود، مدخل یا مدخل‌هایی را تألیف کرده‌اند. برخی از این مدخل نویسان مسلمان و برخی دیگر از پیروان سایر ادیان بوده‌اند.

در ویرایش نهایی نیز نظریات بعضاً متفاوت نویسندگان در کنار هم قرار گرفته تا خواننده از تنوع نظریات و تفاسیر موجود نیز آگاه گردد. دانشنامه حاضر به گونه‌ای تدوین گشته که خواننده نیازی به معلومات قبلی درباره قرآن یا زبان عربی نداشته و در عین حال هم برای دانشجویان و پژوهشگران و هم خوانندگان کنجکاو و علاقه‌مند به قرآن و اسلام نیز مفید و قابل استفاده باشد.

**فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶**

**فروشگاه شمارهٔ (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴**

**نماینده‌گی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۳۰۶، ۲۹۹۹۳۳۰۶**

**برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۳۰۶ تماس حاصل فرمایید.**

**آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabettelaat.com**

دانشنامه قرآن کریم

نویسنده: اولیور لیمن

ترجمه: محمدحسین وقار

سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی



















در قرنی که در آن زندگی می‌کنیم و شتابان

روی به پایان دارد، در فرهنگ و ادب فارسی در ایران، رخدادهای شگفت‌آوری روی داده است که با هیچ‌یک از دوره‌های تاریخی این سرزمین قابل

قیاس نیست. با آشنایی ایرانیان با تمدن و فرهنگ‌های دیگران، به ویژه اروپا و مسافرت‌های آنان به این سرزمین‌ها و مراودات و آشنا گردیدن با ایران دوستان اروپایی و آثار آنان، به سرعت ایرانیان با اندیشمندان ایرانی و کتاب‌هایی که قرن‌ها و سال‌ها در گوشه و کنار و خانه‌های مردمان خاک خورده و نسل به نسل به دیگری منتقل می‌گردید، جمع‌آوری و شسروغ به تصحیح آنها و چاپ و انتشار آنها نمودند.

علامه محمد قزوینی، عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی، احمد بهمنیار، فروزان‌فر، مجتبی منوی و ملک الشعرای بهار در شمار این فرزندگان بودند. دیوان حافظ در طول این زمان آسوی چند تن از اندیشمندان ایرانی و خارجی، تصحیح و چاپ شد. این‌ها حافظ محمد قزوینی، دکتر قاسم غنی، دکتر لایالی نائینی، دکتر نذیر احمد و دکتر پرویز ناتل خانلاری را می‌توان به عنوان نمونه یاد کرد. شاهنامه فردوسی، هر چند به همت ایرانیان و پارسیان مقیم خود چندین بار نشر و چاپ شد، شاهنامه مشهور به چاپ مسکو از این گونه‌اند. تاریخ سیستان به همت ملک الشعرای بهار، تاریخ بیبھی توسط دکتر علی اکبر فیاض، مثنوی معنوی و غزلیات شمس به کوشش استاد فروزان‌فر، کتب مربوط به اوستا و تحقیقات مفصل در این راستا، توسط استاد پروداد و صدقا تألیف و تصحیح جزو این کوشش‌های ادیبان ایرانی است.

با ایسن تحول در سایر زمینه‌های ادبی، رخدادهایی پا گرفت. در شعر با آمدن نیما، سبکی نو در شعر کهن فارسی ایجاد شد. با وجود مخالفت شدید سنت‌گرایان با این سبک شعر، در قلمرو زبان فارسی به زودی اشعاری پدید آمد. اشعارنی پا به عرصهٔ این سبک شعر نهادند. افسانه نیما:در شب تیره، دیوانه‌ای کاو/ دل و زبانی گریزان سپرده/ در درهٔ سرد و خنوشه/ نشسته/ همچو ساقهٔ گیاهی فسرده/ می‌کند داستانی غم‌آورد…

شعر شبانهٔ احمد شاملو:«من سرگذشت یاسم و امید/ با سرگذشت خویش/ می‌مردم از عطش/ آبی نبوده تا لب خشکیده تر کنم./ می‌خواستم به نیمه‌شب آتش/ خورشید شعله زن به درآمد/ چنان که من/ گفتم: دو دست را به دو چشمان سپر کنم…»

نادر دایو در شعر سرمهٔ خورشید:«من مرغ کور، چنگل شب بودم/ باد غریب، مجرم زارم چون باد شب به روی پرم می‌ریخت/ تنها به خواب مرگ، پیازم بودم…»

سیاوش کسریایی شعر آرش کمانگیر را سرود:«برف می‌بارد/ برف می‌بارد به روی کار/ خارا سگد، کوه‌ها خاموش/ درهٔ دلننگ/ راه‌ها چشم انتظار کاروانی با صدای زنگ…»

مهرداد اخوان ثالث شعر زمستان را آفرید:«سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت/ سرها در گریبان است/ کسی سر بر نیارد کرد، پاسخ گفتنش/ دیدار باران/ را، نگه جز پیش پا را دیده، نواند/ که ره تاریک و لغزان است…»ایان در شمار بزرگان تحول شعر فارسی‌اند.

آثار یاد گفت که این سبک ادبی، مخصوص مردان نبود، بلکه بانوان این مملکت نیز پای به میدان نهادند. پروین اعتصامی به سبک کهن ولی با مضامین تازهٔ اجتماعی به نقد جامعه پرداخت. تا آن که به یکباره ستارهٔ فروغ فرخزاد درخشیدن گرفت و در اندک زمانی که در کنار شاعران بزرگ همچون شاملو، نادرپور، سپهری، اخوان ثالث جای گرفت و بر تارک ادب معاصر قرار یافت.

پروین اعتصامی، شعر سست و هشیار را سرود:«منتخب منستی به ردید و گریبانست/ گرفت/ مست گفت/ ای دوست این پیرهن است افسار نیست…»

فروغ فرخزاد با شعر تولدی دیگر، تولّد دیگری در شعر نو خلق نمود:«همه هستی من آینهٔ تاریکی است»، که تو را در خود تکرار کان/ به سحرگاه شکفتن‌ها رستن‌های بدلی خود آمد که بر دهن من آینهٔ تو را آه کشیده، ا/ من در این آینهٔ تو را به درخت و آب آتش پیوند زدم…»

اما در کنار این تحول ادبی، به نام شعرعاری دیگری نیز بر می‌خوریم که سهمی در گشایش و تحول ادبی این قرن داشتند. کارو دردینا، دکتر نصرت‌الله کاسمی و نصرت رحمانی از این دسته‌اند. کارو، شعر «شکست سرودهٔ را سرود: بیبجی از تازیانهٔ خرد کن، بشکستن ستون استخوان را/ تاریکی تبه کن، سایه ظلمت/ بسوزان میله‌های آتش

بیداد این دوران پُر محنت/ فروغ شب فروز دگاند

را/ لگد مال ستم کن، خوارکن، نابودکن…»/ دکتر نصرت‌الله کاسمی در کنار طایبت، به سرودن شعر پرداخت:«سعادی جهان گرفت و به گریخت/ گرفت با توان سخن، آنچه پادشاه/ با تیغ تیز و لشکر گیتی نشان گرفت…»

دکستر مجدالدین میرفخرایی(گلچین گیاهی)،شاعر باران را سرود:«باز باران با ترانه/ با گهرهای فراوان/ می‌خورد بر بام خانه/ من به پشت شیشه، تنها/ رودها راه افتاده، شاد و خرم…»/ شهریار با غزلیات ناب خود، پهلو به پهلو در شساعران بزرگ قرون گذشته زده و خودردای جاودانگی در شعر و ادب معاصر پوشید. نام او از بهنهٔ جغرافیای ایران زمین فراتر رفته و اشعار ترکی او با نام«حیدرآباد»در کشورهای ترک زبان، علاقه‌مندان و شیفتگان فراوان یافت. غزلیات و ترانه‌های رهی معیری، اشعار و غزلیات هوشنگ این‌ها جاودانه گردید و در حافظهٔ مردمان ماندگار شد.

این رویداد ادبی،ویژهٔ بزرگان یاد شده نبوده. اشعاری دیگری نیز بودند که چه در قالب شعر نو و چه در قالب شعر سنتی، به هنرنمایی پرداختند. هر چند بعضی از آنان در گذر روزگار، به آرامی از یاد و خاطره نسل‌های جدید رفتند. اشعار آنان همانند آنچه گفته شد، به مانند باتو لعبت والا، ابراهیم صها، ابوالحسن وزری و دههٔ ۳۰ و ۴۰ کل کرده و میان روشنفکران و فرهیختگان دست به دست می‌شد. اشعاری که در این زمان آفریده شد، غیر از صیغهٔ عاشقانه و عارفانه، دارای جنبه‌های سیاسی نیز بود.

لاهوری در شمار این شاعران بود که در وطن مهاجرت کرد و در کشور شوهرآ سکونت گردید و همان جا نیز درگذشت. از شعرایی که به سنت قدیم به شعر پرداختند، غیر از آنان که در پیش به آنان اشاره شد، نمی‌توان به عماد خراسانی، امیری فیروزکوهی، حمیدی شیرازی، ابوالقاسم حالت و فریدون توفلی پرداخت.

هنوز که هنوز است، بسیار کسانی‌اند که شعر آرام چون قویی سبکبار/ به نرمی بر سر کارون همی رفت/ به نخسلان ساحل، فرص خورخیزد/ زاهدان اقی بیرون همی رفت/ شقیق بازیکنان در جنبش آب/ شکوه دیگر و از دگر داشت/ به دشتی پر شقایق پدید می‌رسمت/ تو پنداری که پاورچین گذر داشت…»

در این یک صمدال که دوباره فرهنگ و ادب فارسی‌ای خود پا یافت و حیات تازه پیدا کرد، شاهد زایش دوبارهٔ این فرهنگ هستیم. ثر فارسی از اثر پرتکلف خارج گشت، جان تازهٔ یافت و شیوة نو در تن متبلور شد. این تحول شامل مقالات ادبی،رمان و داستان‌نویسی گروهمند گردید.

ثر زیبای علی دشتی در کتاب ایام محبس، نوشته‌های دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر پرویز خانلری، دکتر زبیر کوب، کسروی و عبدالرحمان فرامرزی، گوشه‌ای از این ثر زیبا و روان اند. داستان‌نویسی، آغازی نو بود. یوف کور از یکسو از صادق هدایت و از سویی دیگر صادق حویک به خلق تکسیر پرداخت. جمالزاده در ثر خود به هنر خاصی پرداخت. کتاب «یکی بود یکی نبود» ازجمله آثار اوست.

«شور» آهو خانم» از علی محمد افغانی، روزگاری پرفروش‌ترین کتاب گردید و به دفعات متعدد تجدید چاپ شد. رسول پرویز در ضمن آن از آن دست در سیاست داشت، در نوشته‌های طنزی گزنده و زیبا به کار بست. گروهی دیلسته آثار جلال آل احمد گردیدند.

«خسی در عقیقت» که خاطرهٔ سفر حجّ وی رمان شکوهمند «سوزش» را آفرید که از امهات ثر و داستان‌های فارسی است که هیچگاه از ذهن‌ها و خاطره‌ها نخواهد رفت.

آفرینش این همه آثار و ثر آنها لازمهٔ اش آن بود که روزنامه و نشریاتی، همت بر چاپ این آثار گمارند. تا به توجه به سبک ادبی، نوع اشعار و سرایندگان آنها و خوانندگانی که هر یک داشتند، مجلات ادبی خاص به وجود آمد که به چاپ و نشر این آثار و شناساندن گویندگان و نویسندگان آنها پرداختند.

مجلات ادبی ویژه که از سویی دانشوران ایرانی به وجود آمد، هنوز هم مینا و اساس تحقیقات و بررسی‌های این روزگار است. مجله وزین و سسخی که توسط ادیبان آن دوره اداره می‌شد و تحت تأثیر دکتر پرویز ناتل خانلری قرار داشت، به‌چاپ می‌شد. این مجله‌ها ترجمه شده و اشعار هر دو سبک پیش گفته می‌پرداخت.

# سیری کوتاه در ادب معاصر

**دکتر انوشیروان منشئی زاده –وکیل دادگستری**



هوگو را ترجمه کند.

قاسم صنعوی، حسن شهان، اعتمادزاده، احمد آرام، نجف دریابندری، فردون بهمنیار و همایون صنعتی‌زاده، از مترجمان صاحب نام این دوره‌اند.

در این عرصه، دانشوران و ایران دوستانی بودند که به خامه خود، دست به تألیفات گرانبهای ادبی

یازیدند. سعید نفیسی، دکتر معین، دکتر زبیر کوب، دکتر ژاله آموزگار، دکتر احمد تقصلی، دکتر منوچهر مرتضوی، دکتر مهرداد بهار و دکتر محمد امین ریاحی از نویسندگانی استوار و ماندگار این زمانه‌اند. مگر می‌شود نامی از شاهرخ مسکوب و دکتر شعیب کدکنی نبرد و دانش ادبی آنان را می‌کشاند. مجلات سپید و سیاه و امید ایران و روشنفکر، از این گونه نشریات بودند. مجلات دیگر مانند:فردوسی به سردبیری عباس پهلوان، نگین به سردبیری دکتر محمود عنایت و خوشه، از مجلاتی بودند که دانشجویان و دانشوران دهه ۴۰، متشاققه خردیار و خواننده آن بودند.

نیاز به چاپ کتاب، انتشارات و نگاه‌های نشر کتاب را با خود آورد. انتشارات اقبال، امیرکبیر، خوارزمی و فانکلین، از شاخص‌ترین این انتشارات بودند. بی‌گمان، دانشگاه‌های آن زمان، همچون انتشارات دانشگاه تهران، دانشگاه تبریز و فردوسی از این گونه‌اند.

بسیار کتاب‌های علمی و ادبی در این انتشارات چاپ شد. غفلت از نشریه‌های دانشگاه‌های این دوره، موجب خسران است. دانشگاه ادبیات تهران، فردوسی، تبریز، شیراز و دانشگاه حقوق دانشگاه تهران، از این دسته می‌باشند.

فضالی دانش حقوق در نشریه دانشگاه حقوق دانشگاه تهران با نشری زیبا و پخته، دستاوردهای خود را به چاپ رساندند. مرحوم دکتر سیدحسن امامی، دکتر شایگان، آیت‌الله سنجلکی، مشکو، استاد محمود شهایی و دکتر یاد، در ردیف این نویسندگان بودند.

دیگر مجله آن روزگار از دست رفته، مجله خواندنی‌ها بود که صاحب امتیازی آن را علی امرانی بر عهده داشت که هفته‌ای دو شماره چاپ و به بازار عرضه می‌شد. این مجله سبک و سیاقی مخصوص به خود داشت. داشته‌ها و نوشته‌های مجلات دیگر استفاده کرده و در مجله خواندنی‌ها چاپ می‌شد.

روزنامه اطلاعات و کیهان، در شمار روزنامه‌هایی بودند که بعدازظهرها از چاپ خارج می‌شدند. هنوز صدای فرشتگان دوره گردی که این روزنامه‌ها را می‌فروختند، در گوش طین‌انداز است.

ترجمه کتب از بزرگان علم و ادب اروپا، شاعرکارهایی را آفرید. هنوز به باور بسیاری از خرمندان ایرانی، ترجمه کتاب بنویان از حسیقلی مستعان، همتا و همانندی داشته و دیگر کسی نتوانست به شیوایی قلم مستعان، این شاهکار و یکتور

# آمیزش اغراق با دیگر ترندهای ادبی



ذهن خواننده

عادت ردایی و سنت شکنی در زبان عادی و تبدیل

آن به زبان هنری

(د) اعجاب و حیرت انگیزی و جلب توجه مخا طب

(ه) زیبایی و دلربایی سخن و ایجاد التذاذ هنری درخواننده

(و) خیال انگیزی و تصویرسازی ودرنتیجه گسترش صورخیال وهمچنین موضوع

(ز) خلق و آفرینش ظنر و نیز تقویت ذهن مخا طب

اغراق‌ها ازظنر هنسری و با غیر هنری بودن به دو دسته تقسیم پذیرند که نوع نخست آن شاعرانه و تمکین و هنرمندانه است. حال آن که نوع دوم آن با تکلف و تصنع همراه بوده و به اصطلاح بی تمک است. بنابراین هر اغراق و مبالغه ای درخور توجه نیست. «آزش بزرگ نمایی یک واقعیت در شعر از آنجاست که شعرهنر تجسم بخشیدن به عواطف و شیوایی قلم مستعان، این شاهکار و یکتور اندوه‌شادی،عشق،نفرت وغیره بسیارشدت وغلیان یافته باشد،

نتیجه تشبیهات، استعارات و کنایات است. از این منظر، آن

بهرتیر وسیله تجسم بخشیدن به این گونه عواطف، یاری

گرفتن از اغراق است.»

( بدیع، وحیدیان کامیار، ص۱۰۷)

ز دیدنت توانم که دیده بر دوزم

وگر معاینه بینم که تیر می آید

( سعدی)

**دسته بندی اغراق**

با دقت در ژرف ساخت بعضی از آرایه‌های معوی، پی

خواهیم برد که اساس آنها بر تشبیه یا استعاره است. استاد

شمیسا در«نگاهی تازه به بدیع،ص۱۰۳»آرایه‌های را برسه

نوع بیانی،حماسی ویدیعی تقسیم می کنند.

**الف )اغراق بیانی:** اینشان درباب بیان می نویسنند:

(علمی است که از ادای معنای واحد به طریق مختلف بحث

می‌کند و مبالغه و اغراق و غلو هم یکی از انحای ادای معنی

هستند.» لذا این نوع اغراق،افراط و تاکید در توصیف است

که حاصل تشبیه و استعاره است. به عبارت دیگر،اغراق

نتیجه تشبیهات، استعارات و کنایات است. از این منظر، آن

بهرتیر وسیله تجسم بخشیدن به این گونه عواطف، یاری

گرفتن از اغراق است.»

( بدیع، وحیدیان کامیار، ص۱۰۷)

ز دیدنت توانم که دیده بر دوزم

وگر معاینه بینم که تیر می آید

( سعدی)

**دسته بندی اغراق**

با دقت در ژرف ساخت بعضی از آرایه‌های معوی، پی

خواهیم برد که اساس آنها بر تشبیه یا استعاره است. استاد

شمیسا در«نگاهی تازه به بدیع،ص۱۰۳»آرایه‌های را برسه

نوع بیانی،حماسی ویدیعی تقسیم می کنند.

**الف )اغراق بیانی:** اینشان درباب بیان می نویسنند:

(علمی است که از ادای معنای واحد به طریق مختلف بحث

می‌کند و مبالغه و اغراق و غلو هم یکی از انحای ادای معنی

هستند.» لذا این نوع اغراق،افراط و تاکید در توصیف است

که حاصل تشبیه و استعاره است. به عبارت دیگر،اغراق

نتیجه تشبیهات، استعارات و کنایات است. از این منظر، آن

بهرتیر وسیله تجسم بخشیدن به این گونه عواطف، یاری

گرفتن از اغراق است.»

( بدیع، وحیدیان کامیار، ص۱۰۷)

ز دیدنت توانم که دیده بر دوزم

وگر معاینه بینم که تیر می آید

( سعدی)

**دسته بندی اغراق**

با دقت در ژرف ساخت بعضی از آرایه‌های معوی، پی

خواهیم برد که اساس آنها بر تشبیه یا استعاره است. استاد

شمیسا در«نگاهی تازه به بدیع،ص۱۰۳»آرایه‌های را برسه

نوع بیانی،حماسی ویدیعی تقسیم می کنند.

**الف )اغراق بیانی:** اینشان درباب بیان می نویسنند:

(علمی است که از ادای معنای واحد به طریق مختلف بحث

می‌کند و مبالغه و اغراق و غلو هم یکی از انحای ادای معنی

هستند.» لذا این نوع اغراق،افراط و تاکید در توصیف است

که حاصل تشبیه و استعاره است. به عبارت دیگر،اغراق

نتیجه تشبیهات، استعارات و کنایات است. از این منظر، آن

بهرتیر وسیله تجسم بخشیدن به این گونه عواطف، یاری

گرفتن از اغراق است.»

( بدیع، وحیدیان کامیار، ص۱۰۷)

ز دیدنت توانم که دیده بر دوزم

وگر معاینه بینم که تیر می آید

( سعدی)

**دسته بندی اغراق**

با دقت در ژرف ساخت بعضی از آرایه‌های معوی، پی

خواهیم برد که اساس آنها بر تشبیه یا استعاره است. استاد

شمیسا در«نگاهی تازه به بدیع،ص۱۰۳»آرایه‌های را برسه

نوع بیانی،حماسی ویدیعی تقسیم می کنند.

**الف )اغراق بیانی:** اینشان درباب بیان می نویسنند:

(علمی است که از ادای معنای واحد به طریق مختلف بحث

می‌کند و مبالغه و اغراق و غلو هم یکی از انحای ادای معنی

هستند.» لذا این نوع اغراق،افراط و تاکید در توصیف است

که حاصل تشبیه و استعاره است. به عبارت دیگر،اغراق

نتیجه تشبیهات، استعارات و کنایات است. از این منظر، آن

بهرتیر وسیله تجسم بخشیدن به این گونه عواطف، یاری

گرفتن از اغراق است.»

( بدیع، وحیدیان کامیار، ص۱۰۷)

ز دیدنت توانم که دیده بر دوزم

وگر معاینه بینم که تیر می آید

( سعدی)

**دسته بندی اغراق**

با دقت در ژرف ساخت بعضی از آرایه‌های معوی، پی

خواهیم برد که اساس آنها بر تشبیه یا استعاره است. استاد

شمیسا در«نگاهی تازه به بدیع،ص۱۰۳»آرایه‌های را برسه

نوع بیانی،حماسی ویدیعی تقسیم می کنند.

**الف )اغراق بیانی:** اینشان درباب بیان می نویسنند:

(علمی است که از ادای معنای واحد به طریق مختلف بحث

می‌کند و مبالغه و اغراق و غلو هم یکی از انحای ادای معنی

هستند.» لذا این نوع اغراق،افراط و تاکید در توصیف است

که حاصل تشبیه و استعاره است. به عبارت دیگر،اغراق

نتیجه تشبیهات، استعارات و کنایات است. از این منظر، آن

بهرتیر وسیله تجسم بخشیدن به این گونه عواطف، یاری

گرفتن از اغراق است.»

( بدیع، وحیدیان کامیار، ص۱۰۷)

ز دیدنت توانم که دیده بر دوزم

وگر معاینه بینم که تیر می آید

( سعدی)

**دسته بندی اغراق**

با دقت در ژرف ساخت بعضی از آرایه‌های معوی، پی

خواهیم برد که اساس آنها بر تشبیه یا استعاره است. استاد

شمیسا در«نگاهی تازه به بدیع،ص۱۰۳»آرایه‌های را برسه

نوع بیانی،حماسی ویدیعی تقسیم می کنند.

**الف )اغراق بیانی:** اینشان درباب بیان می نویسنند:

(علمی است که از ادای معنای واحد به طریق مختلف بحث

می‌کند و مبالغه و اغراق و غلو هم یکی از انحای ادای معنی

هستند.» لذا این نوع اغراق،افراط و تاکید در توصیف است

که حاصل تشبیه و استعاره است. به عبارت دیگر،اغراق

نتیجه تشبیهات، استعارات و کنایات است. از این منظر، آن

بهرتیر وسیله تجسم بخشیدن به این گونه عواطف، یاری

گرفتن از اغراق است.»

( بدیع، وحیدیان کامیار، ص۱۰۷)

ز دیدنت توانم که دیده بر دوزم

وگر معاینه بینم که تیر می آید

( سعدی)

**دسته بندی اغراق**

با دقت در ژرف ساخت بعضی از آرایه‌های معوی، پی

خواهیم برد که اساس آنها بر تشبیه یا استعاره است. استاد

شمیسا در«نگاهی تازه به بدیع،ص۱۰۳»آرایه‌های را برسه

نوع بیانی،حماسی ویدیعی تقسیم می کنند.

**الف )اغراق بیانی:** اینشان درباب بیان می نویسنند:

(علمی است که از ادای معنای واحد به طریق مختلف بحث

می‌کند و مبالغه و اغراق و غلو هم یکی از انحای ادای معنی

هستند.» لذا این نوع اغراق،افراط و تاکید در توصیف است

که حاصل تشبیه و استعاره است. به عبارت دیگر،اغراق

نتیجه تشبیهات، استعارات و کنایات است. از این منظر، آن

بهرتیر وسیله تجسم بخشیدن به این گونه عواطف، یاری

گرفتن از اغراق است.»

( بدیع، وحیدیان کامیار، ص۱۰۷)

ز دیدنت توانم که دیده بر دوزم

وگر معاینه بینم که تیر می آید

( سعدی)

**دسته بندی اغراق**

با دقت در ژرف ساخت بعضی از



## وام سلف در بورس کالا

شورای فقهی بانک مرکزی در حالی اعطای تسهیلات به خریداران کالا در بورس کالا را تصویب کرد که براساس آن مقرر شد خریداران مواد اولیه به صورت سلف از بورس کالا، بتوانند در قالب عقد مرباعه تسهیلات بانکی دریافت کنند.

به گزارش پایگاه خبری بازارسرمایه (سنا) و به نقل از کالا خبر، علیرضا ناصربور معاون توسعه بازار و مطالعات اقتصادی بورس کالا ایران ای بیان اینکه در سی امین جلسه شورای فقهی بانک مرکزی، نحوه اعطای تسهیلات به خریداران کالا در بورس کالا با توجه به عقود مختلف مورد بررسی و تصویب قرار گرفت، اضافه کرد: براساس مصوبه شورای فقهی بانک مرکزی اعطای تسهیلات با استفاده از عقد مرباعه به این صورت که گیرنده تسهیلات به وکالت از بانک، خرید کالا را در قالب عقد سلف انجام می دهد و در هنگام سررسید آن از آن بانک به وکالت بازخیرد کند، بلاامتی است.

وی افزود: معاملات سلف در بورس کالا از ابزارهای تأمین مالی برای فروشندگان کالا به شمار می رود که براساس آن خریدار پول خرید یک کالا را به زمان سررسید کالای خریداری شده از دریافت می کند. اما در شرایط تورمی حاکم بر اقتصاد کشور و همچنین با توجه به روند افزایش قیمت ها در بازار، خریداران با مشکلات ناشی از تأمین سرمایه در

کردن خود روبرو برای خرید مواد اولیه مصرفی خود مواجه هستند. معاون توسعه بازار و مطالعات اقتصادی بورس کالای ایران ادامه داد: در این رابطه رابزنی هایی با شبکه بانکی صورت گرفت تا رهاکاری اولیه شود که براساس آن خریداران کالا بتوانند با هزینه کمتر اقدام به تأمین مالی برای خرید کالا در قالب قرارداد سلف کنند. در این زمینه مدل طرحی تدلی با مصرف کنندگان که برای خرید مواد اولیه مصرفی خود مشکل گرفتارندیکدی دارند، تسهیلات بانکی اعطا شود. در این مدل، عقد قرارداد مشارکت و مرباعه به عنوان دو قالب کلی این طرح پیشنهاد شد که در نهایت شورای فقهی بانک مرکزی با ارائه این تسهیلات در قالب عقد مرباعه موافقت کرد.

ناصرپور در توضیح سازوکار دریافت این تسهیلات گفت: بورس کالا در مدل معاملاتی پیشنهادی خود در طرح مذکور، این امکان را فراهم کرده تا یک بانک بتواند به عنوان وثیقه تمام یا بخشی از تسهیلات اعطایی بانک ها به خریداران آن کالا در نظر گرفته شود.

به این صورت که خریدار در قالب عقد مرباعه و با دریافت تسهیلات از بانک های عامل، به خرید یک کالا از بورس کالا به صورت سلف می کند. در زمان سررسید هم خریدار در صورت تسویه اصل و سود تسهیلات دریافتی را به بانک پرداخت، بانک مطابق با قرارداد مرباعه صاحب کالا است و در این زمان، عرضه کننده آن کالا در بورس، کالا را به وکالت از بانک روی بلیت فروش بازار نقدی می برد و عواید حاصل از فروش آن را به بانک پرداخت می کند.

در این حالت، اگر عواید بانک از محل فروش نقدی کالا بیش از مبلغ ناشی از اصل و سود تسهیلات اعطایی به خریدار اولیه کالا باشد، بانک به همان میزان از مبلغ را به عنوان طلب خود بر می دارد و مبلغ اضافه را به خریدار پرداخت می کند. اما چنانچه عواید حاصل از فروش نقدی کالا کمتر از اصل و سود تسهیلات اعطایی بانک بود، بانک بماند التناوب متحمل شود را از محل وثایق دریافتی از خریدار دریافت کند. در مدل قرارداد مرباعه، تسویه می کند، ناصرپور گفت: به کمک این طرح خریداران کالاها از بستر بورس کالا می توانند منابع نقدینگی موردنیاز برای خرید کالای مصرفی خود را در قالب تسهیلات در قرارداد مرباعه از شبکه بانکی تأمین کرده و مواد اولیه موردنیاز تولیداتی این خود را در قالب قرارداد سلف در بورس کالا خریداری کنند. خبر دیگر اینکه نیاز به محصولات صنعتی و معدنی بورس کالای ایران روز ۳۳ مهر میزان عرضه هزار و ۱۲۲ تن تیرآهن و میلگرد و همچنین ۲۴۰ تن شمش نیرود بمقدار ۲۵۰ تن منقر، حدود ۳۲۰ تن مغلول آلومینیوم و پنج کیلوگرم شمش طول ۳۵ در تن تارل، مذکور عرضه شد. در تالار صاداتی بورس کالای ایران در این روز عرضه ۴۹ هزار و ۹۰۲ تن قیر و ۱۰ هزار تن گوگرد کلنوخ صورت گرفت.

تالار فرآورده های نفتی و پتروشیمی بورس کالا ایران هم شاهد عرضه ۹۳ هزار و ۶۸۳ تن مواد پلیمری، مواد شیمیایی، قیر، گوگرد و وکیوم باتوم بود و در بازار فرعی بورس کالا ایران عرضه ۲۰۰ تن نرمال واولین انجام شد. از سوی دیگر انجمن صنعتی کارفرمایان صنعت سیمان، از بد دستور کار قرار گرفتن ورود سیمان به بورس کالا توسط هیئت مدیره این انجمن خبر داد و اضاف کرد: مقرر شد تا اقدامات لازم برای ورود محصول سیمان به بورس کالا انجام شود.

## نیازمند بهای اطلاعات

دبیر و سخنگوی شورای عالی بورس گفت: در جلسه اخیر شوراعلمی بورس در زمینه فرآیند داد و ستد سهام عدالت و تأسیس شرکت های تأمین سرمایه تصمیم گیری تازه‌ای صورت گرفت.

دکتر حبیب قالیباف اصل، در گفتگو با پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)، ضمن بیان اینکه تا به حال ۲۷ شرکت آماده پذیرش در بورس شده اند و آخرین وضع سهام عدالت و شرکت های سرمایه گذاری استانی اشاره کرد و افزود: در جلسه اخیر، آخرین وضع شرکت های سرمایه گذاری استانی و سهام عدالت بررسی و گزارشش در این مورد به شوراعلمی بورس ارائه شد.

بر اساس این نامه ابلاغ شده در مرداد گذشته، شرکت های سرمایه گذاری استانی موظف بودند سهامداران خود را شناسایی و اسامی آنها را در سامانه ثبت کنند.

سخنگوی شورای عالی بورس ادامه داد: دو ماه از ابلاغ این نامه سپری شده و اکنون شرکت های سرمایه گذاری باید به منظور انتخاب اعضای هیات مدیره سهامداران را برای حضور در مجمع دعوت کنند.

وی ادامه داد: شرکت های سرمایه پذیر باید سود سهامدارانی که روش مستقیم و غیر مستقیم را انتخاب کرده اند مطابق سایر سهامدارن پرداخت کنند.

به این ترتیب سود سهامدارانی که روش مستقیم را انتخاب کرده اند به حساب شخصی واریز و سود افرادی که روش غیر مستقیم را انتخاب کرده اند به حساب شرکت های سرمایه گذاری استانی واریز می شود. دکتر قالیباف به ضرورت اصلاحات مصوبه سال ۹۱ شوراعلمی بورس در مورد شرکت های تأمین سرمایه اشاره کرد و افزود: با توجه به ضروریات شورا در سال ۹۱ تأسیس شرکت های سرمایه گذاری موسسین می‌توانستند حداکثر ۳۵ درصد یک شرکت تأمین سرمایه را داشته باشند.

اما اکنون با اصلاحاتی که در این مصوبه

صورت گرفت موسسین شرکت های که سهام عام تشکیل می دهند، فارغ از این که یک گروه یا چند گروه باشند، می‌توانند حداکثر ۴۰ درصد یک شرکت تأمین سرمایه را داشته باشند و مجاز هستند که ۲۰ درصد مابقی از پذیره عمومی کنند.

همچنین اگر گروه یا گروه های عضو هیات مدیره و سهامدار یک شرکت تأمین سرمایه باشند نمی توانند در دیگر شرکت‌های تأمین سرمایه به عنوان عضو هیات مدیره حضور داشته باشند.

از سوی دیگر مسئول مرکز آزمون

براساس اعلام مرکز آموزش سازمان

بورس و اوراق بهادار، به دلیل شیوع ویروس کرونا و عدم تمام دوره‌های آموزشی ویژه تمدید گوی نامه‌های حرفه‌ای بازار سرمایه، مهلت شرکت در این دوره‌ها تا پایان سال تمدید شد.

مسئول مرکز آموزش سازمان بورس و اوراق بهادار در گفتگو با پایگاه خبری بازار سرمایه(سنا)، اظهار کرد: با توجه به فراگیر شدن آموزش گویا ۱۰ در سراسر کشور و به منظور حفظ سلامتی همگان، تمامی دوره‌های آموزشی ویژه تمدید گروای نامه‌های حرفه‌ای در سراسر کشور به صورت مجازی برگزار شد.

امین سادات اضافه کرد: زیرساخت‌های لازم برای حضور تمامی داوطلبین به صورت مجازی در تعدادی از مؤسسات و مراکز آموزشی وجود نداشت و به همین دلیل برخی از دوره‌ها ناتمام باقی ماند، بنا به درخواست مؤسسات و مراکز آموزشی و با موافقت کمیته گروای نامه‌های حرفه‌ای مهلت شرکت در دوره‌های آموزشی تا پایان سال تمدید شد.

مسئول مرکز آموزش با بیان اینکه دستورالعمل نحوه تمدید گروای نامه‌های حرفه‌ای یاستی با شرایط پیش آمده تطبیق یابد، گفت: اعضای کمیته گروای نامه‌های حرفه‌ای، قابلیت ارائه در سطح جهانی را دارد اما مستانه به دلیل نبود مستند سازی، در جامعه بین‌المللی مطرح نشده است.

هامونی با تأکید بر لزوم آسیب‌شناسی این موضوع گفت: باید از نوبل درس بگیریم از جمله اینکه هیچ ایده‌ای را مورد تمسخر قرار ندهیم و هنگام مطرح کردن ایده‌ها، متغلاته برخورد نکنیم؛ چرا که این نوع واکنش‌ها، اعتمادبه‌نفس علمی ما را تحت تأثیر قرار می دهد.

مدیرعامل فرابورس پیشنهاد کرد:

که ایده‌ها و کارها، ثبت و به زبان

انگلیسی مستند شود تا قابلیت عرضه در مجامع بین المللی را داشته باشد و افزود: از سوی دیگر باید طرح‌ها را با همکاران خود به اشتراک بگذاریم و در کار تیمی، مراحل مختلف امور پژوهشی را تقسیم کنیم.



حرفه‌ای در حال به روزرسانی و اعمال تغییرات لازم در این دستورالعمل هستند که به محض نهایی شدن و تصویب هیات مدیره سازمان بورس، تغییرات اعلام شده از طریق سایت مرکز آموزش سازمان اطلاع‌رسانی خواهد شد.

سادات در مورد دستورالعمل یاد شده گفت: اصلاحات مدنظر اعضای کمیته در رابطه با تسهیل در برگزاری دوره‌های آموزشی، نحوه محاسبه سوابق شغلی و تحصیلی و به منظور حفظ سلامتی همگان، تمامی دوره‌های آموزشی ویژه تمدید گروای نامه‌های حرفه‌ای در سراسر کشور به صورت مجازی برگزار شد.

همچنین کارشناسان بازار سرمایه در گفت: در میان‌تعداد بازار سهام نسبت به دیگر بازارها سودآوری بیشتری خواهد داشت و بهتر است سهامداران در صورتی که نیازی به پول خود ندارند تحمل کنند تا بازار سهام به تعادل برسد.

نادر اسراری در گفتگو با ایرنا به نوسان چندت اخیر معاملات بورس اشاره کرد و افزود: افت و خیزهای اخیر بورس ناشی از دو عامل است، در ابتدا همچنان به طور کامل اعتماد سهامداران به بازار بازنگشته و پسول آزاد خارج از بورس که بخواهد برای

سرمایه‌گذاری وارد بازار سهام شود وجود ندارد.

وی ادامه داد: اکنون شناوری بازار نسبت به نقدینگی کشور عدد قابل توجهی شده و ارزش بازار با کل فسرکت های حاضر در بورس ۷۵ درصد نقدینگی کشور است.

اسراری اظهار داشت: تا زمانی اعلام

شده بود که باید میزان شناوری در بازار

افزایش یابد، ششاور شدن ۳۰ درصد ارزش

روز بازار سهام برابر با نقدینگی کل کشور

خواهد شد، اما پولی که قر ارات است به بازار

روندی جدی بدهد اصلا در بانک ها وجود

ندارد؛ بنابراین بحث افزایش شناوری در بازار

چندان موضوع کارشناسی شده ای نبود و

روند معاملات بازار مورد نیاز است و چنین

پولی هم در اختیار مردم نیست که بخواهند

تصمیم به خرید سهام بگیرند به همین دلیل

اقدام به فروش و خرید سهام نمی کنند که

چند روز در مسیر صعودی قرار گرفته است،

وی با بیان اینکه این موضوع باعث ایجاد

یک سردرگمی خاص در بازار شد که انعکاس

متفاوتی را در بخش های مختلف بازار و سهام

از خود نشان داد؛ افزود: این موارد در کنار

فروش سهام عدالت زمینه نوسان در بازار را

سبب شده؛ گفت: نقدینگی موجود در بازار توانایی

خرید ۲۰۰ هزار میلیارد تریونر فروش سهام

به پول خود فعلی را به خود نگرفته و

اسراری اظهار داشت: تا زمانی که فروش

سهام عدالت در بازار وجود داشته باشد بعد

است که بتوان شاهد بازنگشته تعادل به

معاملات و پایان وضع نوسان و سردرگمی

در بازار باشیم.

کارشناس بازار سرمایه به تأثیر انتخابات

شبکه عمیق، تحلیل داده‌ها مبتنی بر

روش‌های کلاسیک سری زمانی،

خوشه‌های کلوگرمی و معاملات

هوشمند و... خبر داد.

در ادامه، سیدجلال دهقانی

فیروززادبی استاد تمام وقت و معاون

پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی،

عمیق بر جنبه‌های مختلف زندگی

معنیشده بین قطب ریاضیات مالی

کشور و فرابورس ایران بیان کرد و

افزود: از فلسفه‌های وجودی تفاهم‌های

بین دانشگاه‌ها و مراکزهای اجرایی،

بهرگیری از تجارب دو حوزه علم

و اجرا برای مدیریت بهتر جامعه و

صنعت است.

به گفته دهقانی، تعامل و هم‌افزایی

بازار سرمایه و دانشگاه می‌تواند نتایج

علمی و عملی درخشان‌تری در این

حوزه‌ها به دنبال داشته باشد و علم

ریاضیات مالی می‌تواند به توسعه،

روشنی‌های محاسباتی برای استفاده از

مشاهدات و تجربیات جهت ارتقای

کارآمدی و پیش‌بینی دقیق تعریف

کند.

وی همچنین در مورد کاربرد

یادگیری ماشین در تحلیل داده‌های

مالی به مواردی همچون پیش‌بینی

رونت و ثبات بازار سرمایه در کشور

کمک کند.

محمدرضا اصغری اسکویی

استادیار دانشکده علوم ریاضی و

رایانه دانشگاه علامه طباطبائی هم

با اشاره به اینکه پیشرفت هوش

مصنوعی و یادگیری ماشین، تأثیر

عمیق بر جنبه‌های مختلف زندگی

معنیشده بین قطب ریاضیات مالی

کشور و فرابورس ایران بیان کرد و

افزود: از فلسفه‌های وجودی تفاهم‌های

بین دانشگاه‌ها و مراکزهای اجرایی،

بهرگیری از تجارب دو حوزه علم

و اجرا برای مدیریت بهتر جامعه و

صنعت است.

به گفته دهقانی، تعامل و هم‌افزایی

بازار سرمایه و دانشگاه می‌تواند نتایج

علمی و عملی درخشان‌تری در این

حوزه‌ها به دنبال داشته باشد و علم

ریاضیات مالی می‌تواند به توسعه،

روشنی‌های محاسباتی برای استفاده از

مشاهدات و تجربیات جهت ارتقای

کارآمدی و پیش‌بینی دقیق تعریف

کند.

وی همچنین در مورد کاربرد

یادگیری ماشین در تحلیل داده‌های

مالی به مواردی همچون پیش‌بینی

رونت و ثبات بازار سرمایه در کشور

کمک کند.

محمدرضا اصغری اسکویی

استادیار دانشکده علوم ریاضی و

رایانه دانشگاه علامه طباطبائی هم

با اشاره به اینکه پیشرفت هوش

مصنوعی و یادگیری ماشین، تأثیر

عمیق بر جنبه‌های مختلف زندگی

معنیشده بین قطب ریاضیات مالی

کشور و فرابورس ایران بیان کرد و

افزود: از فلسفه‌های وجودی تفاهم‌های

بین دانشگاه‌ها و مراکزهای اجرایی،

بهرگیری از تجارب دو حوزه علم

و اجرا برای مدیریت بهتر جامعه و

صنعت است.

به گفته دهقانی، تعامل و هم‌افزایی

بازار سرمایه و دانشگاه می‌تواند نتایج

علمی و عملی درخشان‌تری در این

حوزه‌ها به دنبال داشته باشد و علم

ریاضیات مالی می‌تواند به توسعه،

روشنی‌های محاسباتی برای استفاده از

مشاهدات و تجربیات جهت ارتقای

کارآمدی و پیش‌بینی دقیق تعریف

کند.

وی همچنین در مورد کاربرد

یادگیری ماشین در تحلیل داده‌های

مالی به مواردی همچون پیش‌بینی

رونت و ثبات بازار سرمایه در کشور

کمک کند.

محمدرضا اصغری اسکویی

استادیار دانشکده علوم ریاضی و

رایانه دانشگاه علامه طباطبائی هم

با اشاره به اینکه پیشرفت هوش

مصنوعی و یادگیری ماشین، تأثیر

عمیق بر جنبه‌های مختلف زندگی

معنیشده بین قطب ریاضیات مالی

کشور و فرابورس ایران بیان کرد و

افزود: از فلسفه‌های وجودی تفاهم‌های

بین دانشگاه‌ها و مراکزهای اجرایی،

بهرگیری از تجارب دو حوزه علم

و اجرا برای مدیریت بهتر جامعه و

صنعت است.

به گفته دهقانی، تعامل و هم‌افزایی

بازار سرمایه و دانشگاه می‌تواند نتایج

علمی و عملی درخشان‌تری در این

حوزه‌ها به دنبال داشته باشد و علم

ریاضیات مالی می‌تواند به توسعه،

روشنی‌های محاسباتی برای استفاده از

مشاهدات و تجربیات جهت ارتقای

کارآمدی و پیش‌بینی دقیق تعریف

کند.

وی همچنین در مورد کاربرد

یادگیری ماشین در تحلیل داده‌های

مالی به مواردی همچون پیش‌بینی

رونت و ثبات بازار سرمایه در کشور

کمک کند.

محمدرضا اصغری اسکویی

استادیار دانشکده علوم ریاضی و

رایانه دانشگاه علامه طباطبائی هم

با اشاره به اینکه پیشرفت هوش

مصنوعی و یادگیری ماشین، تأثیر

عمیق بر جنبه‌های مختلف زندگی

معنیشده بین قطب ریاضیات مالی

کشور و فرابورس ایران بیان کرد و

افزود: از فلسفه‌های وجودی تفاهم‌های

بین دانشگاه‌ها و مراکزهای اجرایی،

بهرگیری از تجارب دو حوزه علم

و اجرا برای مدیریت بهتر جامعه و

صنعت است.

به گفته دهقانی، تعامل و هم‌افزایی

بازار سرمایه و دانشگاه می‌تواند نتایج

علمی و عملی درخشان‌تری در این

حوزه‌ها به دنبال داشته باشد و علم

ریاضیات مالی می‌تواند به توسعه،

روشنی‌های محاسباتی برای استفاده از

مشاهدات و تجربیات جهت ارتقای

کارآمدی و پیش‌بینی دقیق تعریف

کند.

وی همچنین در مورد کاربرد

یادگیری ماشین در تحلیل داده‌های

مالی به مواردی همچون پیش‌بینی

رونت و ثبات بازار سرمایه در کشور

کمک کند.

محمدرضا اصغری اسکویی

استادیار دانشکده علوم ریاضی و

رایانه دانشگاه علامه طباطبائی هم

با اشاره به اینکه پیشرفت هوش

مصنوعی و یادگیری ماشین، تأثیر

عمیق بر جنبه‌های مختلف زندگی

معنیشده بین قطب ریاضیات مالی

کشور و فرابورس ایران بیان کرد و

افزود: از فلسفه‌های وجودی تفاهم‌های

بین دانشگاه‌ها و مراکزهای اجرایی،

بهرگیری از تجارب دو حوزه علم

و اجرا برای مدیریت بهتر جامعه و

صنعت است.

به گفته دهقانی، تعامل و هم‌افزایی

بازار سرمایه و دانشگاه می‌تواند نتایج

علمی و عملی درخشان‌تری در این

حوزه‌ها به دنبال داشته باشد و علم

ریاضیات مالی می‌تواند به توسعه،

روشنی‌های محاسباتی برای استفاده از

مشاهدات و تجربیات جهت ارتقای

کارآمدی و پیش‌بینی دقیق تعریف

کند.

وی همچنین در مورد کاربرد























## از بیانات رهبر معظم انقلاب روزهای سخت برای مدینه



روز رحلت پیغمبر و قبل از آن، روزهای بیماری آن حضرت، روزهای سختی برای مدینه بود؛ به ویژه با آن خصوصیتی که اندکی قبل از رحلت پیغمبر پیش آمد. پیغمبر به مسجد آمد و روی منبر نشست و فرمود: «هر کس به گردن من حقی دارد، آن حق را از من بگیرد». مردم شروع به گریه کردند و گفتند: «یا رسول الله! ما به گردن تو حق داشته باشیم؟»

فرمود: «رسوایی پیش خدا سخت تر از رسوایی پیش شماست. اگر به گردن من حقی دارید، اگر از من طلبی دارید، بیایید و بگیرید تا به روز قیامت نرفتند.»

ببینید چه اخلاقی! کیست که دارد این حرف را می زند؟ آن انسان والایی که جبرئیل به مصاحبت با او افتخار می کند؛ اما در عین حال با مردم ششوی نمی کند؛ جدی می گوید تا مباد در جایی به وسیله او، ندانسته حقی از کسی ضایع شده باشد.

پیغمبر این مطلب را دو بار، سه بار تکرار کرد. البته در تاریخ ماجراهایی را آورده اند که من خیلی نمی دانم کدامش و چقدرش دقیق است؛ اما آن مطلبی که غالباً نقل کرده اند، این است که یک نفر بلند شد و عرض کرد: «یا رسول الله! من به گردن تو حقی دارم. تو یک وقت با ناقة از پهلوی من عبور می کردی؛ من هم سوار بودم، تو هم سوار بودی. ناقة من نزدیک تو آمد و تو با عصا، هی کردی؛ ولی عصا به شکم من خورد و من این را از تو طلبکارم!»

پیغمبر پیراهنش را بالا زد و گفت: «همین حالا بیا قصاص کن؛ نگذار به قیامت بیفتد.»

مردم حیرت زده نگاه می کردند و می گفتند آیا این مرد واقعی خواهد قصاص کند؟ آیا دلش خواهد آمد؟...

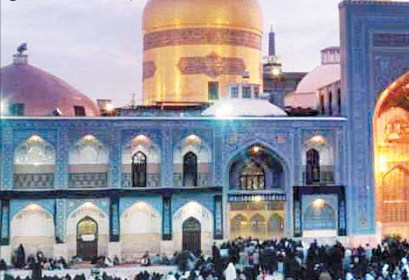
دیدند پیغمبر کسی را فرستاد تا از خانه، همان چوبدستی را بیاورند. بعد فرمود: «بیا بگیر و با همین چوب به شکم من بزن!»

بقیه در صفحه ۲

## درباره دعبل و قصیده تائیه او

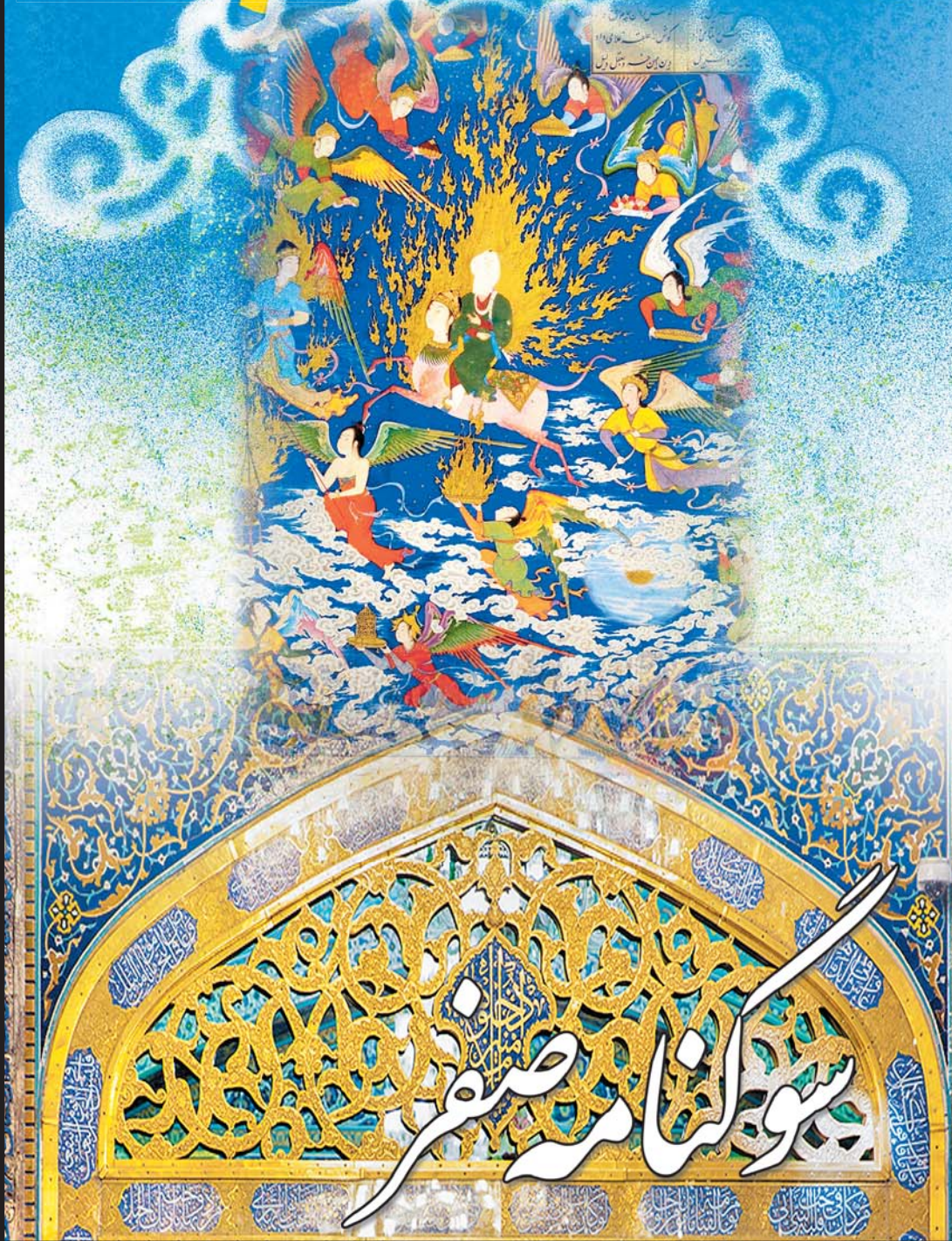


دکتر احمد مهدوی دامغانی



صفحه ۴

پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۹  
۲۷ صفر ۱۴۴۱ - ۱۵ اکتبر ۲۰۲۰  
سال نود و پنجم - شماره ۲۷۶۸۰



## آخرین سخن پیامبر



دکتر عبدالکریم حسینی

لقای خدا را برگزیدم.  
در بازگشت به خانه، تب

و درد وی برافزود. اما حتی در بیماری نیز خوشخویی خود را از دست نمی داد. آن شب که از قبرستان باز می گشت، عایشه از سردرد می نالید.

بقیه در صفحه ۲

خواب به چشمش راه نمی یافت و بایاری یک تن خادم -ابومویهبه- یا با دیگران به بقیع، گورستان مدینه رفت.

آنجا که آن همه دوستان و پیروانش در خواب ابدی غنوده بودند، یک چند به اندیشه و عبرت پرداخت.

با مردگان به زبان دل سخن گفت و برای همه آنها دعا خواند و آمرزش طلبید. با ابومویهبه هم گفت که مرا مخیر کرده اند بین زندگی دنیا و لقای خدا، اما من

دیگر زنان در خانه عایشه بستری شد و گویند ابوبکر را هم فرمود تا در نماز به جای وی ایستد. وقتی او را به خانه عایشه می آوردند، بر دوش علی و فضل بن عباس تکیه داشت.

سرش را بسته بود و پاهایش را بر زمین می کشید. در خانه عایشه بیماری اش طولانی شد و یک چند از رفت و آمد مردم کنار ماند. این بار چنین می پنداشت که از بیماری برنخواهد خواست. در آغاز نالانی یک شب که

اشاره: مقاله زیر به قلم مرحوم «دکتر عبدالحسین زرین کوب» در سال ۱۳۴۶ نگاشته شده است که روایت متفاوتی را از آنچه در فضای رسمی عزاداری ها درباره رحلت پیامبر گفته می شود، بیان داشته است.

\*\*\*

در پایان عمر، محمد(ص) در خانه «میمونه» بیمار شد و در نوبت بنت جحش بیماری اش شدت یافت. آخر باذن و رضایت





## روزهای سخت برای مدینه

بقیه از صفحه اول

آن مرد جلو آمد. مردم، همه مبهور، متحیر و شرمیده از این که نکنند این مرد بخواند این کار را بکنند. اما یک وقت دیدند او روی پای پیغمبر افتاد و بنا کرد شکم پیغمبر را بوسیدن. گفت: «یا رسول الله! من با مس بدن تو خودم را از آتش دوزخ نجات می دهم!»

(خطبه های نماز جمعه تهران - ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

امام حسن (ع) و نحوه مقابله با معاویه

... نوبت امامت به امام حسن علیه السلام رسید و در همان وضعیت بود که آن حضرت نتوانست بیش از شش ماه دوام بیاورد. تنهای تنهای گذشتند. امام حسن مجتبی (ع) می دانست که اگر با همان عده معدود اصحاب و یاران

بقیه از صفحه اول

پیغمبر به دلدارای اش گفت که من بیش از تو حق دارم که از سر درد بنالم؛ با این همه باک مدار، اگر تو پیش از من بمیری، تو را کفن خواهم کرد، بر تو نماز خواهم خواند و تو را به خاک خواهم سپرد.

عایشه با شوخ طبعی بی که از طعنه و ملامت خالی نبود، گفت: بعد هم که به خانه می آیی، زن دیگری می گیری! و پیغمبر که شوخی و ظرافت را خوش می داشت، لبخند زد. نیز در دوره بیماری، یک روز روزه داشت؛ وقتی زناش دارویی برای وی در دست کردند، وی بیپوش بود. دوا را از کنار دهان به حلقش ریختند و چون او به هوش آمد، برآشفتم. لیکن با خوش طبعی و زنده دلی که داشت، خشم خویش ظاهر نکرد، اما واداشت تا زنان همان دارو را در پیش روی او بنوشند و آنها نیز دارویی را که برای بیمار ساخته بودند تا ته نوشیدند.

حتی در بیماری نیز از حال بینوایان غافل نبود. ثروت خود و مکنت خدیجه را پیش از این در همین راه باخته بود و آنچه نیز از سهم غنیمت و خمس به دست آورد، به به صدقه داده بود. با این همه پیش از بیماری و وجه مختصری به عایشه داده بود تا نگاه بدارد.

در بیماری از وی خواست تا آن را به محتاجان دهد. پس از آن چند لحظه بیپوش شد و در این بیماری مکرر این حال برایش پیش می آمد. چون به هوش آمد، از عایشه پرسید که آیا آن وجه را به محتاجان رسانیده است؟ زن گفت هنوز نه. پیغمبر او را واداشت تا آن مال را حاضر آورد و آن را به کسانی که مستحق بودند فرستاد. پس از آن گفت اکنون آسوده شدم از آن که شایسته نبود که پیش پروردگار خویش بروم و این اندازه مال داشته باشم.

یک بار که ابوبکر با مردم نماز می خواند، پیغمبر به مسجد وارد شد. لرزان و ناتوان بود و فضل بن عباس و علی ابن ابی طالب زیر بازویش را گرفته بودند. مردم که در آن وقت انتظار دیدار وی را نداشتند، از شادی دیدار او نزدیک بود صف نماز را برهم زنند، اما وی نگذاشت. در کنار ابوبکر نشست و نماز خواند. به قولی ابوبکر را کنار زد و خود با مردم نماز به جای آورد.

بعد از آن، روی به مردم کرد و با حالتی رنجور، با رنگی پریده و در حالی که پارچه ای به سر خویش بسته

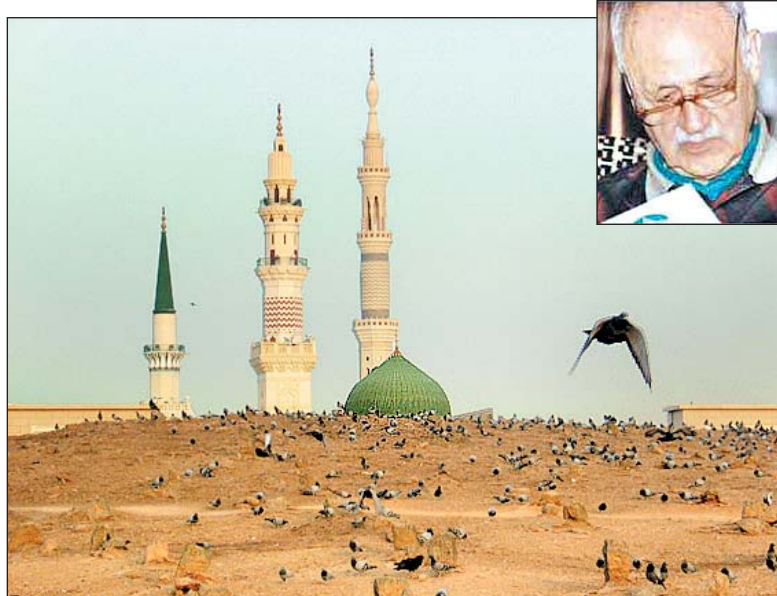
خود با معاویه یبجنگد و به شهادت برسد، انحطاط اخلاقی زیادی که بر خواص جامعه اسلامی حاکم بود، نخواهد گذاشت که دنبال خون او را بگیرند.

تبلیغات، پول و زرنگی های معاویه، همه را تصرف خواهد کرد و بعد از گذشت یکی دو سال، مردم خواهند گفت «امام حسن بیهوده در مقابل معاویه قد علم کرد». لذا، با همه سختی ها ساخت و خود را به میدان شهادت نینداخت؛ زیرا می دانست خونش هدر خواهد شد.

گاهی شهید شدن آسان تر از زنده ماندن است. حقاً که چنین است. این نکته را اهل معنا و حکمت و دقت، خوب درک می کنند. گاهی زنده ماندن و زیستن و تلاش کردن در یک محیط، به مراتب مشکل تر از کشته شدن و شهید شدن و به لقای خدا پیوستن است. امام حسن علیه السلام این مشکل

بود با مسلمانان سخن راند. یک جا اشارت به نزدیکی وفات خویش کرد و گفت خداوند بنده ای را مخیر کرد بین دنیا و آنچه نزد خداست. آن بنده چیزی را که نزد خداست برگزید. در اینجا گویند ابوبکر بگریست و گفت جان ما و پدران ما فدای تو باد. پیغمبر سخن را ادامه داد، به مهاجران سفارش کرد در باب انصار، و با مردم وداع کرد.

## آخرین سخن پیامبر



به جای آن تازیانه ات بزنم.» حاضران در مسجد در حیرت و تأثر فرو رفته بودند. مردم تازیانه بر گرفت و به جانب پیغمبر آمد.

چون نزدیک محمد فرارسید، تازیانه را به کنار افکند. بر شانه پیغمبر خم شد و در حالی که اشک می ریخت، بر و دوش وی را بوسه داد. یکی دیگر برخاست و از وی سه درهم طلب کرد که پیغمبر داد. پس از آن برخاست و به خانه رفت. تب و رنجوری اش سخت تر شد و باز به بسترش انداخت. یک روز جمعی

را انتخاب کرد. وضع آن زمان چنین بوده است. خواص، تسلیم بودند و حاضر نمی شدند حرکتی کنند....

در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) - ۱۳۷۵/۰۳/۲۰ این مقطع سی و پنج ساله (از ۱۴۸ تا ۱۸۳ هجری) یعنی دوران امامت حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام) یکی از مهمترین مقاطع زندگینامه (علیهما السلام) است.

دو تن از مقتدرترین سلاطین بنی عباس - منصور و هارون - و دو تن از جبارترین آنان - مهدی و هادی - در آن حکومت می کردند.

بسی از قیام ها و شورش ها و شورشیگرها در خراسان، در افریقیه، در جزیره موصل، در دیلمان و جرجان، در شام، در نصیبین، در مصر، در آذربایجان و ارمنستان و در اقطاری دیگر، سرکوب و متقاد گردیده و در ناحیه شرق و غرب و شمال قلمرو و سبع اسلامی، فتوحات تازه و غنایم و اموال وافر، بر قدرت و استحکام تخت عباسیان افزوده بود. جریان های فکری و عقیدتی در این دوران، برخی به اوج رسیده و برخی زاده شده و فضای ذهنی را از تعارضات، انباشته و حربه ای در دست قدرتمداران و آفتی در هوشیاری اسلامی و سیاسی مردم گشته و میدان را بر علمداران صحنه معارف اصیل اسلامی و صاحبان دعوت علوی، تنگ و دشوار ساخته بود.

شعر و هنر، فقه و حدیث و حتی زهد و ورع، در خدمت ارباب قدرت درآمده و مکمل ابزار زر و زور آنان گشته بود. در این دوران، دیگر نه مانند اواخر دوران بنی امیه و نه همچون ده ساله اول دوران بنی عباس و نه شبیه دوران پس از مرگ هارون که در هر یک، حکومت مسلط وقت، به نحوی تهدید می شد؛ تهدیدی جدی دستگاه خلافت را نمی لرزاند و خلیفه را از جریان عمیق و مستمر دعوت اهل بیت (علیهما السلام) غافل نمی ساخت.

در این دوران، تنها چیزی که می توانست مبارزه و حرکت فکری و سیاسی اهل بیت و یاران صدیق آنان را مجال رشد و استمرار بخشد، تلاش خستگی ناپذیر و جهاد خطیری آن بزرگواران بود و توسل به شیوه الهی «تقیه». و بدین ترتیب است که عظمت حیرت آور و دهشت انگیز جهاد حضرت موسی بن جعفر (علیه و علی آبائه التحیه و السلام) آشکار می گردد.

(پیام به سومین کنگره جهانی حضرت امام رضا (ع) - ۱۳۶۸/۰۷/۲۶)

از یاران به عیادتش رفتند. از دیدار آنها چنان شادمان شد که اشک شوق در چشمانش درخشید. با خوشحالی - و شاید غروری آمیخته به نجابت - به آنها خوشامد گفت و اندرز هاشان داد با دستوری چند در باب کفن و دفن خویش.

گفته اند در آخرین روز عمر هم خواست در باب جانشینی خویش دستور دهد. سر و صدا بلند شد که پیغمبر هذیان می گوید و بدین گونه - شاید برای آن که سخن مرگ را از زبان وی نشنوند - او را از این کار مانع آمدند. در این روزها پیغمبر در تب داغی می سوخت؛ چنان که از شدت حرارت کسی دست بر دست وی نمی توانست نهاد.

ظرف آبی کنار بسترش بود که گاه از آن به صورت خویش می زد و ناله ای می کرد. فاطمه یگانه فرزندش در نزدیک بستر پدر می گریست. وقتی محمد بی تابى او را دریافت، دختر را پیش خواند و چیزی آهسته در گوش او گفت. فاطمه بگریست. پیغمبر دیگر بار او را پیش خواند و باز پنهانی چیزی در گوش او گفت. این بار دختر بخندید. بعد ها وقتی عایشه از وی پرسید که آن گریه و خنده چه بود؟ گفت آن روز پدرم اول به من گفت که می میرد و من از درد گریستم. بعد گفت من هم به زودی به او می پیوندم، از شادی خندیدم.

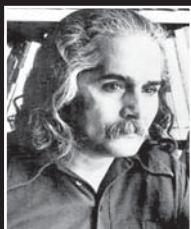
بدین گونه، بیماری پیغمبر شدت یافت. آخرین روز در حال اندکی بهبود پدید آمد. مردم شادمان شدند و گمان کردند که مگر از بیماری بر خاست. ابوبکر که نگرانی بسیار داشت، آسوده خاطر شد و به خانه خویش - در خارج شهر - بازگشت. اما این بهبود ظاهری و بی دوام بود. پیغمبر باز درصدد برآمد که به مسجد رود، اما نتوانست. نزد عایشه باز گشت و به بستر افتاد.

زن سرش را در کنار گرفت و پیغمبر محترمانه داعی چند خواند. پس از آن ساکت شد و گویی به خواب رفت. هنوز ظهر نشده بود که حرکتی خفیف کرد. بر پیشانی اش عرق نشست و نفسی کشید. آخرین سخنش این بود: بل الرفیق الاعلی - بل آن یار برترین!

پس از آن خاموشی گزید و سرش بر سینه عایشه افتاد... و عایشه آن را بر بالش نهاد تا بر خیزد و با دیگر زنها بر مرگش شیون کند.



## یا علی موسی الرضا دریاب!

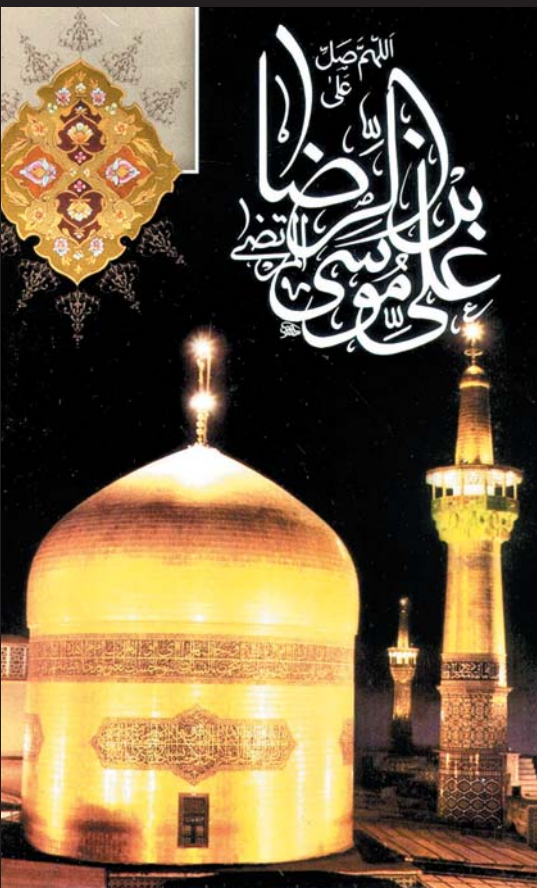


مهدی اخوان ثالث  
(م. امید)

ای روشنای آب  
ای علی موسی الرضا! پاکمرد یثربی، در  
توس خوابیده!  
من تو را بیدار می دانم.  
زنده تر، روشن تر از خورشید عالم تاب،  
از فروغ و فرو و شور زندگی سرشار  
می دانم.  
گر چه پندارند: دیری هست، همچون  
قطره ها در خاک،

رفته ای در ژرفنای خواب،  
لیکن ای پاکیزه باران بهشت! ای روح! ای روشنای آب!  
من تو را بیدار ابری پاک و رحمت بار می دانم.  
ای (چو یختم) خفته در آن تنگنای زادگاهم توس!  
- (در کنار دون تبهکاری که شیر پیر پاک آیین، پدرت،  
آن روح رحمان را به زندان کشت) -  
من تو را بیدار تر از روح و راه صبح، با آن طره زرتار می دانم.  
من تو را بی هیچ تردیدی (که دلها را کند تاریک)  
زنده تر، تابنده تر از هر چه خورشید است، در هر کهکشانی، دور یا  
نزدیک،

خواه پیدا، خواه پوشیده،  
در نهان تر پرده اسرار می دانم.  
با هزاری و دوصد، بل بیشتر، عمرت،  
ای جوانی و جوان جاودان، ای پور پاینده!  
مهربان خورشید تابنده!  
این غمین همشهری پیرت،  
این غریب ملک ری، دور از تو دلگیرت،  
با تو دارد حاجتی، دزدی که بی شک از تو پنهان نیست،  
وز تو جوید (در نهانی) راه و درمانی.  
جاودان جان جهان! خورشید عالم تاب!  
این غمین همشهری پیر غریبت را، دلش تاریک تر از خاک،  
یا علی موسی الرضا، دریاب!  
چون پدرت، این خسته دل زندانی دزدی روان کش را،  
یا علی موسی الرضا! دریاب، در مان بخش.  
یا علی موسی الرضا، دریاب!



را دردم شمشیر خویش دارد، خوب می شناسند و به چشم می بینند،  
پاسخ می دهند که: «تو برادری بزرگوار و برادرزاده ای بزرگواری»؛  
و آنگاه با آهنگی که از گذشت و مهربانی گرم شده است، می گوید:  
«بروید، همگی ازادید».

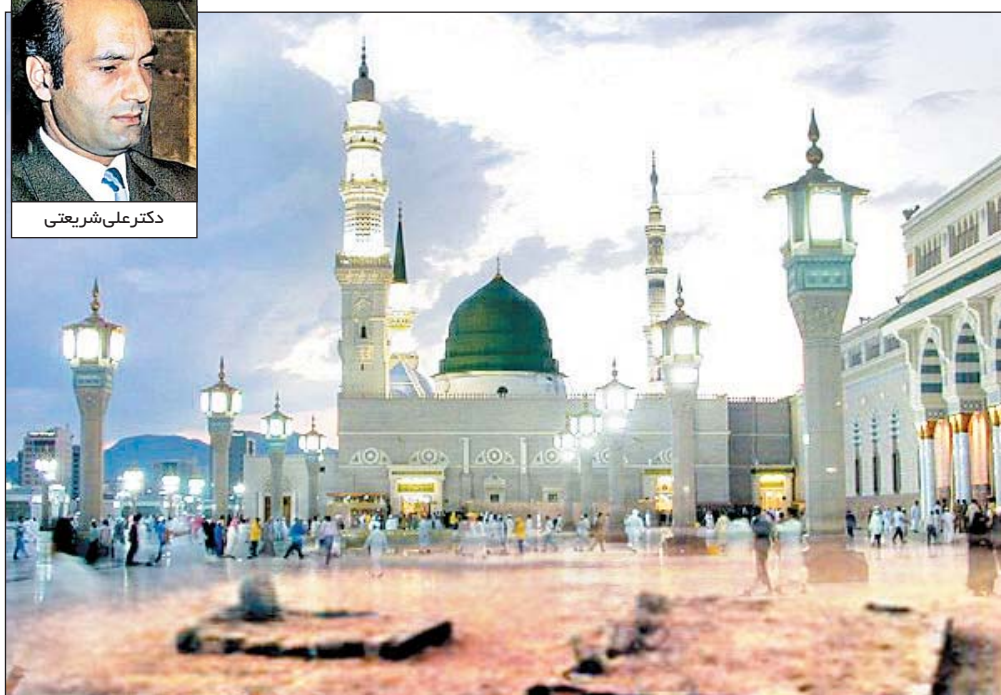
آری، حضرت محمد (ص) پس از آن که به بعثت برانگیخته شد،  
اولین کسی که به وی ایمان آورد، حضرت علی (ع) بود. علی بود که با  
وی همپیمان شد و از آن پس همه لحظات عمر را در این پیمان و پیوند  
نهاد و در پرستش خداوند و وفای محمد و دوستی خلق و پارسایی  
روح، آیتی شگفت شد و با صدها رشته پنهان و پیدا با روح و اندیشه  
و قلب محمد پیوند یافت.

پیغمبر که تاریخ آن همه از اراده و تصمیم و قدرتش سخن

## پیامبر و دلی که با کمترین موج محبتی می تپد...



دکتر علی شریعتی



می گوید و خسروان و قیصران و قدرتمندان حاکم بر جهان، آن همه  
از شمشیرش می هراسند و دشمن از شدت غضبش می لرزد، در عین  
حال مردی است سخت عاطفی، با دلی که از کمترین موج محبتی  
می تپد و روحی که از نوازش نرم دست صداقتی، صمیمیتی و لطفی به  
هیجان می آید، در خانه و خانواده نیز چنین است.

در بیرون، مرد رزم و سیاست و فرماندهی و قدرت و ابهت است  
و در خانه پدری مهربان، شوهری نرمخوی و ساده و صمیمی، ... وی  
هرگز نمی گوید تا خود را مرز و غیر عادی و موجودی عجیب و  
غریب در چشم ها بنمایاند، بلکه به عکس حتی به مادی بودن تظاهر  
می کرد. نه تنها از زبان قرآن می گوید که: «من بشری هستم به مانند  
شما و فقط به من وحی می شود ... / کف ۱۱۰»؛ که همواره اعتراف  
می کند جز آنچه به من گفته می شود، از چیزی خبر ندارم و در رفتار و  
زندگی و گفت و گویش، همه جامی کوشید تا در چشم ها شگفت آور  
و فوق العاده جلوه نکند و سعی می کرد تا ابهت و جلالتی را که در دلها  
دارد، بشکند.

می گویند روزی پیرزنی نزد وی می آید تا از او چیزی بپرسد. آن  
همه خبر ها و عظمت ها که از او شنیده بود، چنان در او اثر می کند که  
تا خود را در حضوری می یابد، می لرزد و زبانش می گیرد. پیغمبر  
احساس می کند که شخصیت و شکوه او وی را گرفته است. ساده و  
متواضع پیش می آید، به مهر دست بر شانه هایش می گذارد و بالحنی  
که از خضوع، نرم و صمیمی شده است، می گوید: «مادر چه خبر  
است؟ ... من پسران زن قریشی ام که گوسفند می دوشید».

بعد احساس و عمق عاطفه و اندازه رقت قلب محمد نیز  
شگفت انگیز است. وجود علی (ع) و فاطمه (س) که همچون دو بال  
برای پیغمبر بودند و فرزندان آنها، تحمل زندگی پر تلاطم و پر مشقت  
را برای پیغمبر (ص) آسان تر کرده بود. اما اینها همه آرامش پیش  
از توفان بود و توفان در رسیدن سیاه، هولناک و بر باددهنده آشیانه و  
ویران کننده خانه او. آری پس از ۲۳ سال رسالت پیامبری و هدایت  
مردم، پیغمبر در بستر افتاد دیگر نتوانست برخیزد و به این گونه است  
که محمد و رسالت چند بعدی و دو جهش شایستگی آن را دارند که  
آرزوی بزرگ انسان امروز را تحقق بخشد.

پس از قرن چهارم میلادی و از زمانی که امپراتوران روم به  
مسیحیت گرویدند و عقاید کلیسا را به عنوان آرا و عقاید رسمی  
ترویج کردند، بنای مخالفت را با حوزه های فکری و علمی آزاد  
گذاشتند تا این که سرانجام ژولتی نین، امپراتور روم شرقی در سال  
۵۲۹ میلاد مسیح (قرن ششم میلادی) دستور تعطیلی دانشگاه ها و  
بستن مدارس و مراکز علمی را صادر کرد و دانشمندان از بیم جان  
متواری شدند و چراغ علم و فلسفه در قلمرو امپراتوری روم خاموش  
شد.

درست در همین زمان بود، قرن ششم میلادی و مقارن با  
خاموشی چراغ علم و دانش در روم که بزرگترین حادثه تاریخ به وقوع  
پیوست و شبه جزیره عربستان شاهد بعثت بهترین مخلوق خداوند،

محمد امین (ص) شد که در نخستین گام به فراگیری علم و دانش  
فرخوانده شد: «بخوان به نام پروردگارت که آفریدت» و سپس پیروان  
خود را به آموختن علم و دانش از آغاز تا پایان زندگی باروایت «اطلب  
العلم من المهدی الی اللحد» فراخواند.

... به راستی می توان گفت که محمد را این چنین «باید از نو دید»  
و «از نو شناخت». او را با نگاهی که اشیا و اشخاص را می نگریم نباید  
نگریست؛ باید از روان شناسی، جامعه شناسی و تاریخ، نگاهی تازه  
ساخت و بر سیمای محمد (ص) افکند.

او را باید در صف شخصیت های عظیم تاریخ، قیصران و  
حکیمان و انبیا دید. در جمع پیامبران بزرگ نشاند و تماشايش کرد.  
در این هنگام است که تصویر او در چشم ما چنان شگفت و توصیف  
ناپذیر می نماید که گویی هرگز او را ندیده ایم و هرگز چنین تصویری  
را از مردی در جهان ندی شناخته ایم.

برای شناخت دقیق و تصویر کلی و تمام هر مذهبی، شناختن  
خدای آن، کتاب آن و پیغمبر آن ضروری است؛ و این روش ساده ترین،  
ممکن ترین و در عین حال علمی ترین و مطمئن ترین روش شناخت  
یک مذهب است. محمد ترکیبی از موسی و عیسی است. گاه او را در  
صحنه های مرگبار جنگ می بینیم که از شمشیرش خون می چکد و  
پیشاپیش یارانش که برای کشتن یا کشته شدن بی قراری می کنند، می  
تازد و گاه وی را می بینیم که وقتی هر روز در رهگذرش مرد یهودی از  
بام خانه اش خاکستر بر سرش می ریزد و او نرم تر از مسیح، همچون  
بازیزد، روی در هم نمی کشد و یک روز که از کنار خانه وی می گذرد و  
از خاکستر مرد خبری نمی شود، می پرسد رفیق ما امروز سراغ ما نیامد؟  
و چون می شنود که بیمار شده است به عیادتش می رود.

در اوج قدرت، در آن لحظه که سپاهیان مکه را، شهری که  
۲۰ سال او و یارانش را شکنجه داده و آواره کرده است، اشغال  
کرده اند؛ بر مسند قدرت، اما در سیمای مهربان مسیح، کنار کعبه  
می ایستد و در حالی که ۱۰ هزار شمشیر تشنه انتقام از قریش در  
اطرافش برق می زند و ... می پرسد: «ای قریش فکر می کنید با شما  
چه خواهیم کرد؟...»

قریش که سیمای مسیح را در این موسایی که اکنون سرنوشتشان



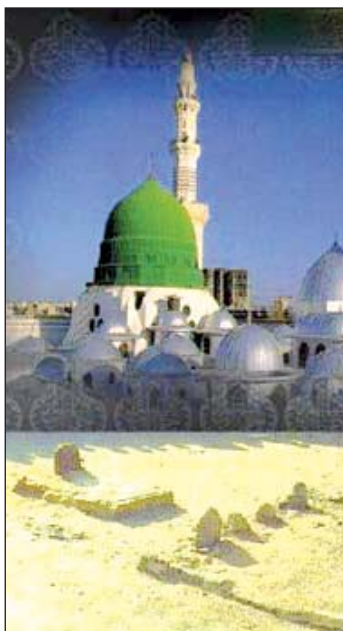


## برای شهادت امام حسن مجتبی (ع)

## غریب اهل بیت

■ سید رضا مؤید

ز آن تشت پر زلخت جگر در مقابلش  
پیدا بود که زهر چه کرده است با دلش  
مظلوم چون علی و به مظلومیش گواه  
آن پاره های دل، که بود در مقابلش  
او حاصل نبوت و بیداد دشمنان  
از آب شعله خیز، شرر زد به حاصلش  
عمر حسن ز عمر علی سخت تر گذشت  
تا آن که مرگ آمد و حل کرد مشککش  
از ورطه ای که بود کران تا کران ملال  
موجی زد و رساند، شهادت به ساحلش  
هر مرد راست محرم دل همسرش، ولی  
غربت ببین که همسر او گشته قاتلش  
از زهر، پاره پاره و از صبر، ریز ریز  
قرآن برگ برگ شهادت بود دلش  
چشمش به لطف اوست «مؤید» که دم زند  
گاه از مصائب وی و گاه از فضائش



## هر گز کسی دچار محن چون حسن نشد

■ آیت الله غروی اصفهانی

هر گز کسی دچار محن چون حسن نشد  
ور شد دچار آن همه رنج و محن نشد  
خاتم اگر دست سلیمان به باد رفت  
اندر شکنجه ستم اهرمن نشد  
نوح نجی گراز خطر موج رنجه شد  
غرقاب لجه غم بنیادکن نشد  
یوسف اگر چه از پدر پیر دور ماند  
لیکن غریب و بی همه کس در وطن نشد  
شمع ار چه سوخت از سرشب تاسحر ولی  
خونابه دل و جگرش در لگن نشد  
پروین نثار ماهرخی کانچه شد بر او  
پروانه راز شمع دل انجمن نشد  
حقا که هیچ طایری از آشیان قدس  
چون او اسیر پنجه زاغ و زغن نشد  
جز غم نصیب آن دل والا گهر نبود  
جز زهر بهر آن لب شکر شکن نشد  
دشنام دشمن آنچه که با آن جگر نمود  
از زهر بی مضایقه با آن بدن نشد  
از دوست آنچه دید ز دشمن روان بود  
جز صبر، دردهای دلش رادوان بود

سروده اند، به یاد دارند. زیرا غرض اصلی این ناچیز از این نوشته، معرفی شرح بسیار ادیبانه و فاضلانهای است که مرحوم موسی کمال الدین محمد فسوی (فسایی) داماد مرحوم مجلسی اول (محمد تقی) بر این قصیده مبارکه نگاشته است و این که بسیار مناسب و بلکه لازم است که یکی از فضایی معاصر، (فی المثل حضرت استاد مکرم حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر جعفریان، دامت برکاته و افاضاته)، دامن همت به کمر زند و این شرح را با تعلیقات، مجدداً به چاپ برساند. فسوی که دانشمند جامعی بوده، کمال احاطه اش را به ادب نشان داده و به معنای واقعی در اصطلاح «سنگ تمام» در باره این شرح شریف صادق است.



دکتر احمد مهدی دامغانی

«دو قبر در طوس است که بهترین و بدترین مردمان در آن جای دارند و این امری عبرت انگیز است نزدیکی ناپاک پلید به پاک تمیز. نه سودی برای او دارد و نه زبانی به پاک تمیز می رساند.» که اشاره به مرقد مطهر حضرت رضا (ع) و هارون الرشید است. و مهم تر و معروف تر از آن، قصیده «تائیه» است که مرحوم سید امین (رضوان الله علیه) آن را در ۱۲۲ بیت در «اعیان شیعه» آورده است و یا قوت در معجم الأدبا چهل و پنج بیت از آن را نقل کرده و سید شوشتری رحمه الله علیه در «مجالس المؤمنین» قریب چهل بیت از آن را آورده است و قطعاً بسیاری از افاضل خوانندگان ارجمند، ابیات آن را که در رثاء

روز آخر صفر، مقارن با شهادت حضرت امام علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه است. از این روی، این فقیر مناسب دانست تا شرحی در باب جناب دعبل بن علی خزاعی، شاعر مشهور عرب در قرن دوم و سوم و مداح اهل بیت علیهم السلام و قصیده تائیه مشهور او که قطعاً فضلاً و خاصه و عاظم محترم و روضه خوانان ارجمند، ابیات منتخبی را از آن در حافظه خود دارند و به موقع از آن در محافل و مجالس عزاء و سایر برمی کنند؛ به عرض خوانندگان گرامی اطلاعات را برساند.

جناب دعبل که ایشان را از صحابه حضرت رضا و حضرت جواد (علیهما) شمرده اند، در سال ۱۴۸ متولد شده و در سال ۲۴۵ به امر متوکل عباسی

## در آستانه شهادت امام رضا (ع)

## درباره دعبل و قصیده تائیه او



شهداء اهل بیت است، در حفظ دارند و اینک به خاطر می آورند و نیز داستان تشریف دعبل را به طوس برای شرفیابی حضور حضرت رضا و کسب اجازه از آن حضرت برای انشاء (خواندن شعر) این قصیده و در هنگام ذکر قبور شهداء طالبیتین و افزودن حضرت رضا (علیهم السلام) است:

و قبر بطوس یا لها من مصیبه  
الحت علی الأحماء بالزفرات  
و اعطای آن حضرت، ده هزار درهم جامه یا پیراهن خود را به دعبل و فروختن دعبل آن را به سی هزار درهم در شهر قم (در بازگشتش از طوس) و ربودن دزدان آن وجه را از او در مراجعتش از آن سفر معروف است. بیشتر از این درباره این قصیده عرض نمی کند. خاصه آنکه همچنان که عرض کردم، بسیاری از فضایی خوانندگان محترم، آن چند بیتی که با:

افاطم لو خلت الحسین مجلاً  
و قدمات عطشاناً بشطّ فرات  
اذا للطمط الخدّ فاطم عنده  
و أجزرت دمع العین فی الوجنات  
آغاز می شود، تا بیتی که حضرت رضا (ع)

یا مالک بن طرق مسموم شده و وفات یافته است. از بزرگان شعرای عرب آن دو قرن است. او در ردیف ابو تمام و بحرّی شمرده می شود.

قصاید و قطعات چندی در مدح حضرت رضا (ع) و در بیان مظالم و جنایاتی که دشمنان آل محمد (ص) نسبت به عترت طاهره (ع) در طول قرن های اول و دوم مرتکب شده اند و در مظلومیت شهداء کربلا، دیگر شهیدان اهل بیت عصمت و طهارت و در مغضوبیت حقوق حقه آنان و محرومیت شان از آن، سروده است که معروف ترین آن قصاید، یکی همان «تائیه» است که اینک چند سطر در باره آن عرض می کند. و دیگری راثیه ای است به مطلع:

تأسف جارتی لم أرأت زوری  
و عذت الشیب ذنباً غیر مغفر  
«بانوی همسایه ام چون خمیدگی مرا دید، اظهار تأسف کرد. زیرا پیری را گناهی نابخودنی شمرد.» که در آن دو بیت مشهود است که:

قبران فی طوس خیر الناس کلهم  
و شر کلهم هذا من العبر  
ما ینفع الرجس من قرب الزکی وما  
علی الزکی بقرب الرجس من ضرر



اشاره:

زندگی مردان بزرگ خدا همیشه پر حادثه است. حیات درخشان امام حسن (ع) از پر حادثه ترین زندگی رادمردان تاریخ است. با این که بیش از ۴۸ سال عمر نکرد و بر اثر زهری که مزدوران معاویه به او خوراندند به شهادت رسید، ولی در همین دوران کوتاه، همواره با باطل گرایان حق سستیز در حال نبرد بود، در عصر پدر، دوش به دوش او با منافقان و منحرفان سستیز کرد. در جنگ های بزرگ جمل و صفین و نهروان، قهرمانی بی بدیل بود، و به طور کلی نام او در پیشانی قاموس رنج های درخشید. وی در سخت ترین و تلخ ترین رخدادها پرچم نهی از منکر، مبارزه با نادرمدی ها و طاغوت زدایی را برافراشت، و برای تثبیت حکومت حق، ایتارها و جانفشانی ها کرد.

آنچه بیش از دیگر ویژگی های امام حسن مجتبی (ع) - در زمان حیات و پس از شهادت - از برجستگی برخوردار بود، صبوری و حلم آن حضرت بود که تاثیر بسزایی در زندگی وی و پیروانش داشت. امام - علیه السلام - آن گونه صبور بود که صبوری وی زیانزد عام و خاص شد و ضرب المثل «حلم الحسینی» در باره وی رواج یافت. در این گفتار بر آئیم تا ارجمندی حلم و مفهوم آن را مورد بررسی قرار دهیم، آنگاه نتایج درخشان آن را در زندگی امام حسن بنگریم.

### ارجمندی حلم

خداوند در قرآن، حضرت ابراهیم (ع) قهرمان مبارزه تو حیدی را چنین تمجید می کند: «ان ابراهیم لحلیم اواه منیب:»<sup>(۱)</sup> همانا ابراهیم دارای صفت حلم و بسیار متوکل بر خدا و بازگشت کننده به سوی خدا بود.

در آیه ۱۰۱ سوره صافات خداوند می فرماید: «فبشرناه بغلام حلیم؛ ما ابراهیم را به نوجوانی دارای حلم بشارت دادیم»

منظور از این فرزند، حضرت اسماعیل (ع) است، که ابراهیم (ع) از درگاه خدا درخواست فرزندی صالح کرد، و خداوند درخواست او را اجابت نمود، و او را به فرزندی که دارای خصلت والای حلم است مژده داد، آن فرزند اسماعیل بود، چنان که در ماجرای آن ذبح عظیم، حلم و استقامت و صبر انقلابی خود را به خوبی نشان داد.

واژه «حلیم» پانزده بار در قرآن بیان شده است که در یازده مورد از اوصاف خداوندی بر شمرده شده<sup>(۲)</sup> و در دو مورد، از اوصاف ابراهیم (ع) و در یک مورد از وصف اسماعیل (ع) و در موردی دیگر در وصف حضرت شعیب (ع) ذکر شده است. بنابراین، «حلم» از ارزش های مهم اخلاقی و اسلامی است، و انسان های برجسته مانند پیامبران چنین صفاتی دارند، و انسان هایی که صفت حلم را به طور کامل دارند، مظهر یکی از صفات الهی هستند.

در فرهنگ روایی، روایات بی شماری در تمجید خصلت ارزشمند حلم از پیامبر (ص) و امامان (علیهم السلام) به ما رسیده که نظر شما را به ذکر چند نمونه جلب می کنیم:

امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: «کمال العلم الحلم»؛<sup>(۳)</sup> کمال علم به صفت حلم بستگی دارد.

نیز فرمود: «بوفور العقل يتوفر الحلم»؛<sup>(۴)</sup> آن کس که عقل سرشار دارد، دارای حلم سرشار خواهد شد.

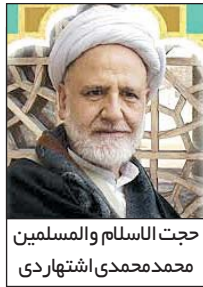
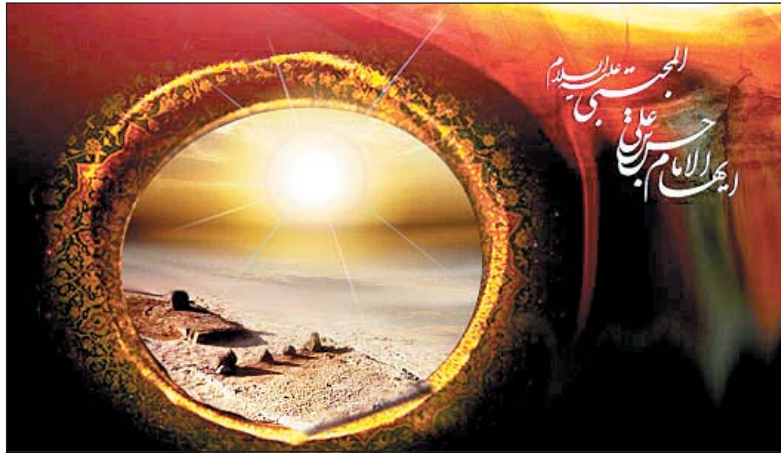
امام صادق (ع) فرمود: «الحلم سراج الله»؛<sup>(۵)</sup> حلم، چراغ تابان خدا است.

### مفهوم حلم

لغت شناس معروف قرآن، راغب در کتاب مفردات گوید: «حلم به معنای خویشترن داری به هنگام هیجان غضب است، و از آن جا که این حالت از عقل و خرد ناشی می شود، گاه به معنای عقل و خرد نیز به کار رفته است.»<sup>(۶)</sup>

بنابراین، انسان دارای حلم کسی است که در عین توانایی، در هیچ کاری شتاب نمی کند، و در کيفر مجرمان شتاب زده نمی شود، و روحی بزرگ دارد، و بر خشم و احساسات خود، مسلط است.

چنان که در روایت آمده، شخصی از امام حسن مجتبی (ع) پرسید: حلم چیست؟ فرمود: «کظم الغیظ و ملک النفس»؛<sup>(۷)</sup> فرو بردن خشم، و تسلط بر خویشترن است.



## امام مجتبی (ع) و صلابت صبر

بنابراین، آنچه در ترجمه حلم معروف شده و از آن به عنوان «بردباری» یاد می کنند، صحیح به نظر نمی رسد، زیرا حلم به معنای تحمل یار دیگران نیست، بلکه به معنای خویشترن داری بر صلابت، و نرمش قهرمانانه است، که پایه استوار برای حفظ اخلاق و ارزش های اسلامی است. بر همین اساس امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «لا حلم الا صبر والصمت»؛<sup>(۸)</sup> هیچ حلمی مانند استقامت و سکوت نیست. بنابراین، استقامت و کنترل ر زبان، از شاخه های مهم حلم است، پس حلم مفهومی ضد عجز و تسلیم دارد.

### حلم امام حسن (ع)

امام حسن (علیه السلام) و سایر امامان (علیهم السلام) فرهیخته و تربیت شده مکتب قرآن بودند، چنان که در روایت آمده: کنیزی شاخه گلی را به امام حسن (ع) اهدا نمود، آن حضرت او را آزاد کرد، انس بن مالک به آن حضرت عرض کرد: «آشامی برای یک شاخه گل ناچیز، او را آزاد کردید؟»

امام حسن (ع) در پاسخ فرمود: «ادبنا الله تعالی...؛ خداوند ما را چنین تربیت کرده است... آنجا که می فرماید: «اذا حیثتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها؛ هنگامی که کسی به شما تحیت گوید، پاسخ او را به طور بهتر، یا همان گونه بدهید.»<sup>(۹)</sup> پاسخ بهتر همان آزاد کردن او است.»<sup>(۱۰)</sup>

حلم امام حسن (ع) از آیات قرآن نشأت گرفته بود، از جمله از این آیه که خداوند می فرماید: «... ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كانه ولی حمیم؛ ناپسندی را با نیکی دفع کن، که نگاه خواهی دید همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.»<sup>(۱۱)</sup>

خصلت حلم امام حسن (ع) در حدی بود که مروان یکی از دشمنان پر کینه خاندان رسالت، که امام حسن را بسیار رنج داد و آزد، گفت: «این کارها را با کسی انجام دادم که حلم و خویشترن داری او با کوه ها برابری می کند.»<sup>(۱۲)</sup> به عنوان نمونه نظر شما را به فراز تاریخی زیر جلب می کنیم:

پیرمردی نا آگاه از اهالی شام در مدینه، امام حسن (ع) را سوار بر مرکب دید، آنچه توانست از آن حضرت بد گوئی کرد، وقتی که فارغ شد، امام حسن کنار او آمد، و بدو سلام کرد، و در حالی که لبخندی بر چهره داشت به او فرمود: «ای پیرمرد! گمانم غریب هستی، و گویا اموری بر تو اشتباه شده، اگر از ما درخواست رضایت کنی از تو خوشنود می شویم، اگر چیزی از ما بخواهی به تو عطا می کنیم، اگر از ما راهنمایی بخواهی تو را راهنمایی می کنیم، اگر کمک برای باربرداری از ما بخواهی، بار تو را بر می داریم، اگر گرسنه باشی تو را اسیر می نماییم، اگر برهنه باشی، تو را می پوشانیم، اگر نیازمند باشی تو را بی نیاز می کنیم، اگر گریخته باشی به تو پناه می دهیم، اگر حاجتی داری آن را ادا می نماییم، اگر مرکب خود را به سوی خانه ما روانه سازی، و تا هر وقت بخواهی مهمان ما باشی،

گمراهان گردد. چرا که همیشه افرادی هستند که از شیوه حلم بزرگان، سوء استفاده می کنند، و تا زیر ضربات خردکننده شلاق مجازات قرار نگیرند، دست از کردار زشت خود بر نمی دارند، در این گونه موارد باید در برابر آنها شدت عمل نشان داد، تا ایجاد مزاحمت نکنند، لذا در زندگی امام حسن مجتبی (ع) ملاحظه می کنیم، در عین آن که به حلم معروف بود، در بعضی از موارد، فریادی چون صاعقه داشت که تار و پود دشمنان را می سوزانید.

به عنوان نمونه، پس از ماجرای صلح تحمیلی، معاویه به کوفه آمد، و در میان ازدحام جمعیت بر فراز منبر رفت، در ضمن گفتارش با گستاخی بی شرمانه ای از امیر مؤمنان علی (ع) بد گوئی نمود، هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که امام حسن (ع) بر پله آن منبر ایستاد، و خطاب به معاویه فریاد زد: «ای پسر هند جگر خوار! آیا تو از امیر مؤمنان علی (ع) بد گوئی می کنی، با این که پیامبر (ص) در شأن او فرمود: «من سب علیا فقد سبنی، و من سبنی فقد سب الله، و من سب الله، ادخله نار جهنم خالدا فيها مخلدا و له عذاب مقیم؛ کسی که به علی (ع) ناسزا گوید، به من ناسزا گفته، و کسی که به من ناسزا گوید، به خدا ناسزا گفته، و کسی که به خدا ناسزا گوید، خداوند او را برای همیشه وارد دوزخ می کند، و او در آنجا همواره گرفتار عذاب الهی است.»

آنگاه امام حسن (ع) از منبر پایین آمد و به عنوان اعتراض از مسجد خارج شد و دیگر باز نگشت.<sup>(۱۳)</sup> بر خوردهای پر صلابت امام حسن (ع) در برابر معاویه و مزدوران او، بسیار است، که به همین یک نمونه بسنده شد.<sup>(۱۴)</sup>

### دخالت در سیاست

اینک این سؤال مطرح می شود که امام حسن (علیه السلام) بعد از شهادت پدر بزرگوارش حضرت علی (علیه السلام) با آن که آن حضرت ده سال امامت کرد، تنها شش ماه و چهار روز خلافت و حکومت نمود، و سپس از کوفه به مدینه رفت و از سیاست و حکومت دوری نموده و انزوا را برگزید، آیا این روش که نشأت گرفته از حلم او بود، کناره گیری از سیاست نیست؟

پاسخ به طور خلاصه این است که شرایط و جوی که دشمنان و بدخواهان، و حتی دوستان، برای آن حضرت ایجاد کردند، آن حضرت را قهر از سیاست و حکومت داری کنار زدند، نه این که او خودش کنار رفت، و هرگز حلم او باعث این کار نشد، بلکه شرایط و صلاح اسلام، چنین اقتضای کرد، از این رو در مدینه نیز در فرصت های مناسب، مطالب را به طور صریح بیان می کرد، و باروش معاویه مخالفت می نمود. به همین دلیل معاویه نتوانست وجود آن حضرت را تحمل کند، و با پیام های محرمانه اش، جعده دختر اشعث را که همسر امام حسن (علیه السلام) بود، واداشت تا آن حضرت را مسموم نماید. شهادت جانسوز او بزرگترین دلیل بردخالت او در سیاست، و صلابت او در طاغوت زدایی است، چنان که حلم او نیز در این راستا بود.

### پی نویس:

- ۱) هود (۱۱) آیه ۷۵. در آیه ۱۱۴ سوره توبه نیز نظیر این آیه به اندکی تفاوت آمده است.
- ۲) مانند آیه ۲۲ و ۲۳ و ۲۶ سوره بقره، و ۱۵۵ سوره آل عمران، و... (المعجم المفهرس، ج ۲، ص ۲۱۶ و ۲۱۷)
- ۳ و ۴) میزان الحکمة، ج ۲، ص ۵۱۵ - ۵۱۶
- ۵) بحار، ج ۱، ص ۴۲۲
- ۶) مفردات راغب، واژه حلم
- ۷) بحار، ج ۷۸، ص ۱۰۲
- ۸) بحار، ج ۱۷، ص ۷۸
- ۹) نساء (۴) آیه ۸۶
- ۱۰) مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۸
- ۱۱) فصلت (۲۱) آیه ۳۴
- ۱۲) منتهی الامال، ج ۱، ص ۱۷۱
- ۱۳) کشف الغم، ج ۲، ص ۱۳۵؛ بحار، ج ۴۳، ص ۳۴۴
- ۱۴) بحار، ج ۴۴، ص ۱۹ «والله الذي عملت خیر لشيعة مما طلعت عليه الشمس او غربت»
- ۱۵) فرائد السمطين، ج ۲، ص ۶۸
- ۱۶) احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۴۲۰؛ بحار، ج ۴۴، ص ۹۱
- ۱۷) برای اطلاع بیشتر در این مورد، به کتاب های زیر مراجعه کنید: احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۹۸ تا ۴۲۰؛ بحار، ج ۴۴، ص ۷۰ تا ۱۰۹، کشف الغم، ج ۲، ص ۱۴۴ تا ۱۵۲

### رفترار صلابت

پرواضح است که داشتن خصلت حلم، یک قانون غالبی است نه دائمی، باید موارد را شناخت و بر اساس ضوابط اسلامی با آن برخورد کرد، در بعضی از موارد باید سد حلم را شکست و فریاد زد و شدت عمل نشان داد، در آن مواردی که حلم موجب سوء استفاده





اصیل و فاخر، واژگان را بر اساس هویت و شناسنامه اسلامی و توحیدی آنها به استخدام خود در آورد. واژگانی که با فرهنگ اسلامی و توحیدی همخوانی و همخوانی داشته باشند و معانی غیر توحیدی و منفی را در ذهن مخاطب تداعی نکنند.

#### واژگان نامتجانس با فرهنگ توحیدی

همچنان که اشاره شد، مقرون به صلاح و صواب است که شاعر آیینی - تاحدامکان - در گزینش و استخدام واژگان برای خلق و آفرینش یک اثر فاخر عاشقورایی به این نکته کلیدی توجه داشته باشد که پای کلمات نامحرم، حاشیه دار، غیر مؤجّه و واژگانی را که دارای بار منفی هستند، به ساخت پاک و مقدس شعر آیینی - بخصوص عاشقورایی - باز نکند؛ چرا که بعضی از واژگان قابلیت و اهلیت راه یافتن به این حریم ملکوتی را ندارند و استخدام و به کارگیری آنها - در معنای ایجابی - فضای شعر آیینی را مسموم و آلوده می کند.

کلماتی که «سوء پیشینه فرهنگی» دارند و برآمده از متن و بطن نظام ها و فرهنگ های منحط غیر توحیدی، استکباری، سلطنتی، ارباب و رعیتی، بردگی و طاغوتی اند و معانی بد و آزار دهنده ای را در ذهن مخاطب تداعی می کنند. کلماتی از قبیل: شاه، پادشاه، شاهنشاه، شاهزاده، ولیعهد، ملکه، سلطنت، ارباب، نوکر و ... کلمات و واژگانی از این قبیل از جنس فرهنگ توحیدی نیستند و هویت و شناسنامه اسلامی و شیعی ندارند.

شایسته آن است که برای پیشگیری از هر گونه سوء تفاهم و رفع شبهه، از به کارگیری چنین کلمات و واژگانی در معنای ایجابی و خطاب کردن بزرگان دینی با چنین القاب و عناوینی خودداری کنیم، همچنان که پیران و پیشکسوتان شعر آیینی - از گذشته تا به امروز - به این ظرایف و دقایق توجه داشته و دارند.

برای مثال بیت زیر از حضرت لسّات الغیب حافظ بادو قرائت مختلف به ثبت رسیده است که در یک نسخه واژه «خواجه» و در نسخه ای دیگر واژه «دوست» به کار رفته است. در اینجا رسالت شاعر آیینی اصیل و دغدغه مند تامل در معنای قرآنی این دو واژه و ترجیح «تعهد دینی» بر «تعهد ادبی» در انتخاب واژه مقبول است. ترجیح تعهد دینی بر تعهد ادبی به این معناست که شاعر فارغ از وسوسه صنعتگری و سخنوری، واژه ای را که با فرهنگ توحیدی و قرآنی سازگارتر است، در مصرع زیر انتخاب و جایگزین کند:

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن

که «دوست» خودروش بنده پروری داند

هر چند در نگاه اصحاب نقد و نظر ممکن است واژه «خواجه» از نظریه کارگیری صنعت تناسب یا «مراعات النظیر» و آرایش ادبی و زیباشناختی بر واژه «دوست» ارجحیت داشته باشد، ولی از آنجا که «خواجه» فرهنگ منحط «ارباب و نوکری» را در اذهان تداعی می کند و بار منفی دارد، جایگزینی واژه «دوست» به جای «خواجه» مقرون به صواب تر است، زیرا با آموزه های دینی و فرهنگ توحیدی نسبت و قربت بیشتری دارد.

در بیت زیر از غزل معروف خوشدل تهرانی نیز، انتخاب ترکیب «نهضت حسین» بر ترکیب «قتل شاه دین» هم از نظر قواعد زیباشناختی و هم از دیدگاه انطباق با آموزه های دینی، سازگارتر است. زیرا واژه «شاه» با فرهنگ توحیدی سنخیت چندانی ندارد.

بزرگ فلسفه نهضت حسین این است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

«خوشدل تهرانی»

#### خاطره ای از استاد محمد علی بهمنی

محمد علی بهمنی شاعر نام آور معاصر در تعریضی به مصرع معروف «هر که دارد هوس کرب و بلا، بسّم الله»، ضمن تعریف خاطره ای می گوید:

«گفتن از عاشقورا برای من که هنوز کوچکم؛ کار بزرگی است. اما همیشه از کودکی فکر می کردم که چرا می گویند: «هر که دارد هوس کرب و بلا، بسّم الله...». همیشه این نکته ذهنم را مشغول می کرد که مگر زیارت کرب و بلا هوس است؟ و من همیشه با خود می گفتم حتما اشتباهی رخ داده؛ که این عشق نمی تواند هوس باشد. تا این که یک روز خودم متوجه شدم که این عطش بوده است و درستش این است: «هر که دارد عطش کرب و بلا، بسّم الله...». کاری که می خوانم، فرزند همین تفکر است...»

تا گلو گریه کند، بغض فراهم شده است

چشم ها بس که مطهر شده، زمزم شده است

نه فقط شاعر این شعر عزرا پوشیده است

واژه هایش، همه اندوه محرم شده است

ظهر داغی است، عرق ریزی روحم گویاست

از سرم، سایه طوبا نفسی کم شده است

هر که دارد هوسش، نه! عطشش، بسّم الله

راه عشق است و به این قاعده ملزم شده است

سوگواران شما مرثیه خوان خویش اند

بی سبب نیست که عالم همه ماتم شده است

من ملک بودم و فردوس برین می داند

این ملک شور که را داشت که آدم شده است

من نه مداحم و نه مرثیه سازم، اما

سر فراز آن که به طوفان شما خم شده است

بقیه در صفحه ۷



رنا اسماعیلی

# «شعر آیینی» و کژراهه های واژگانی



طراح: حبیب الله صادقی

می شود، نیاز به خانه تکانی دارد و باید از خیلی از کلمات پاکسازی شود. کلمات نامتجانس و نامانوسی که هیچ تناسب مضمونی و معنایی با شعر آیینی ندارند و به صورت مظلوم آن چنگ می کشند.

با توجه به بسامد بالای کژراهه ها و کژروی های واژگانی در شعر آیینی، بر پژوهش گران و دغدغه مندان این عرصه تکلیف است که به قصد بالایش و پیرایش این گونه ادبی که ریشه در باورها و اعتقادات ما دارد، بعد از این با عزمی جزم تر و دقت نظری بالاتر به این مهم بپردازند. در این یادداشت فقط به نمونه هایی از این کلمات نامانوس و نامحرم که از بسامد بالایی برخوردارند اشاره شده است.

ضرورت پرداختن به این موضوع برای عاقبت به خیری و رستگاری شعر آیینی امری حیاتی است. زیرا شعر اصیل آیینی ما باید مستند به حقایق و معارف حقه دینی و توحیدی باشد. از همین رو بر من شاعر و پژوهشگر واجب است هر جا شعر، مدیحه و مرثیه ای خواندم که در تعارض و تقابل با مستندات اصیل دینی (متن آیات و روایات) بود، به روشنگری پرداخته تا شاعر را متقاعد به تنقیح و تصحیح شعر خود کنم. بی هیچ تردیدی، شاعر آیینی باید با فرهنگ توحیدی و معارف دینی آشنایی کامل داشته باشد و برای خلق و آفرینش یک شعر آیینی

این مقاله را به رسم ادب و شاگردی، به محضر پرفیض شاعر و ادیب دین آگاه و دقیقه یاب، استاد «محمد علی مجاهدی» تقدیم می کنم که همواره توصیه ها و رهنمودهای عالمانه شان در این مسیر، شجره آغ راهم بوده است.

\*\*\*

پیش از این، در مقاله ای مستقل با عنوان «فتح بابی در حوزه واژه شناسی قرآنی» شعر آیینی، به ضرورت دقت نظر عالمانه و هوشمندانه در گزینش و انتخاب واژگان در شعر اصیل آیینی پرداخته ام. ولی به خاطر ضرورت بسط این مهم، در یادداشت پیش رو با آوردن مصادیق، تامل و تأکیدی بیشتر بر این معنا خواهم داشت.

«واژه شناسی و واژه گزینی» در عرصه شعر آیینی مقوله ای مهجور و راهی پر پیچ و خم، نرفته و نکوبیده است، و ما در این حوزه - بی هیچ تردیدی - هنوز در آغاز راهیم. در شرایط فعلی پرداختن به این مقوله خیلی خیلی مهم است. اگر ما به این مسئله به صورت هوشمندانه و عالمانه نگاه نکنیم، شعر آیینی ما در دراز مدت دچار فرسایش زبانی می شود و از بالندگی و زاینده گی باز می ماند. اجازه بدهید با صراحت و صادقانه بگویم که شعر آیینی ما که شامل اشعار هیئت و تعزیه هم



## امام، شاه نیست!

یکی از واژگانی که از گذشته تا به امروز به بسیار و فراوان در شعر آیینی - به خصوص در نوحه‌ها و مرثیه‌ها - از آن استفاده می‌شود، واژه «شاه» یا «پادشاه» است که با روح فرهنگ توحیدی و قرآنی، هیچ گونه قربایت و نسبت مستقیمی ندارد. برای مثال می‌گوییم: «شاه است حسین، پادشاه است حسین». این کژتابی های واژگانی، شعر آیینی را از سکه می‌اندازد و اعتبار آن را در چشم اهل نقد و نظر پایین می‌آورد.

«مرتضی امیری اسفندقه» که خود از شاعران شاخص و نامدار آیینی روزگار ماست، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری مهر، ضمن تأکید بر به کارگیری واژگان مناسب و متجانس با فرهنگ اسلامی و توحیدی در شعر آیینی، گفته‌است:

«باید بدانیم که امام شخص نیست، بلکه از شخص بسیار گسترده تر است. امام یک فرهنگ و فکر است. وقتی از امام حرف می‌زنیم، از یک فرهنگ حرف می‌زنیم. وقتی شعری برای امام می‌گوییم، برای یک پادشاه و خان و امپراتور شعر نمی‌گوییم. امام شاه نیست؛ به این معانی امروز امام خود آسمان است. راه اتصال انسان به آسمان است. فرهنگ و دانایی در اوج انسان، در اوج انسان معتدل، انسانی که شایستگی دارد مسجود ملائک باشد.

انسان صاف و یکرنگ یک دست یک راست. هر چند وقتی شاعر از تاج و پادشاهی امام حرف می‌زند، منظور تاج و تخت و وسایل پیش پا افتاده و مضحک این چنینی نیست، بلکه صحبت از تاج انسانیت، شرف، شکوه، تاج امامت و ولایت واژه‌هایی پاک و پاکیزه است. در اینجا شاعر، هم راضی است و هم معترض به زیاده‌خواهی جامعه انسانی و مسائلی که نظم را به هم زده است...»

«محمد مهدی سیار» نیز که از شاعران جوان و خوش آتیه روزگار ماست و در عرصه سرودن شعر آیینی، کارنامه‌ای قابل تأمل و درخشان دارد، با توصیه به فاصله گرفتن از فرهنگ «اریاب و رعیتی» و پرهیز از به کار بردن واژگان نامتجانسی همچون: «اریاب، نوکر و...» برای بزرگان دینی، چنین استدلال می‌کند:

«شما وقتی به اشعار امروز نگاه می‌کنید، می‌بینید که این دوست داشتن - دوست داشتن اهل بیت - بانوع خاصی از واژه‌ها و مفاهیم بیان می‌شود. واژه‌هایی که برای امام حسین (ع) به کار می‌رود و قصد دارد نسبت ما با ایشان را توصیف کند: مثلاً واژه‌هایی نظیر: «آقا»، «اریاب»، «سیدی» و... به کار می‌رود و تلاش می‌شود با این واژه‌ها نسبت ما با ایشان تعریف شود. ولی آن واژه اصلی که برای ما وضع شده و به ما رسیده است و گفته‌اند سیدالشهدا (ع) را با این واژه بشناسید و نسبتش با خودتان را مشخص کنید، واژه «امام» است؛ یعنی امام حسین (ع) کسی است که پیشوا و جلودار ماست.

اما ما واژه امام را در مدیحه سرایی و شعرها و نوحه‌ها کمتر می‌بینیم. در صورتی که عنوان اصلی سیدالشهدا، «امام حسین» است. معمولاً در شعرها می‌گوییم حسین (ع)، یامی گوییم سیدی، یامی گوییم آقای من، یا اریاب من و... در این اشعار خیلی کمتر واژه «امام» به کار می‌رود؛ در حالی که رابطه ما با حضرت را این واژه تعیین می‌کند. وقتی ایشان امام باشند، ماماموم می‌شویم و مجموعه‌ای را به نام «امت» تشکیل می‌دهیم و این به آن معناست که آن وجه سیاسی و اجتماعی این شخصیت برای ما مشخص می‌شود...

بنابراین باید در نظر بگیریم که ما صرفاً با یک «محبوب» و «دوست» و «اریاب» سر و کار نداریم، بلکه با یک پیشوا سر و کار داریم. به نظر می‌شود مدایحی را که خوانده می‌شود از این جهت بررسی کرد و دید عموماً چه واژه‌هایی برای حضرت به کار می‌رود و این واژه‌ها چه نسبت‌هایی بین گوینده و مخاطب برقرار می‌کنند! وقتی شما حضرت را «اریاب» خطاب می‌کنید، در نقش خودت به نوکر می‌رسی. نوکر با مأموم فرق دارد، همانطور که وقتی ایشان را معشوق یا محبوب می‌خوانی، شما می‌شوی عاشق یا دوستدار، و دوستدار هم با پیرو فرق می‌کند... وقتی ما کسی را پیشوا می‌دانیم، خودمان را پیرو می‌دانیم.

پیرو هم یعنی کسی که در راه و مسیر است و وظایفی برای خودش در نظر می‌گیرد و این مسیر را انتخاب کرده است. اما وقتی خودمان را عبد، بنده و نوکر می‌خوانیم، معمولاً آن وجه اختیار و انتخاب به گونه‌ای سلب می‌شود و طرف هیچ وظیفه‌ای بر

دوشش تصور نمی‌کند...»

برای مثال در بیت زیر، شاعر اگر به جای استخدام واژه «اریاب» که با روح فرهنگ اسلامی و حسینی سازگار نیست، واژه «مولا» را به کار می‌برد، آیا شعر از اصالت بیشتری برخوردار نمی‌شود؟

پای زخم آلود من! طاقت بیاور می‌رسی  
صبح فردا محضر «اریاب بی‌سر» می‌رسی  
آری، همچنان که در اکثر ادعیه اسلامی، روایات و احادیث، بزرگان دین با عنوان «عبدالله»، «سید»، «امام» و «مولا» مورد خطاب قرار گرفته‌اند، شایسته است ما نیز که خود را مسلمان و دوستدار اهل بیت می‌دانیم، به این ادب و آداب پایبند و مقید باشیم و از ادبیاتی ارجمند و واژگانی «طیب و طاهر» و بی حاشیه برای مدح و منقبت خاندان رسالت استفاده کنیم. کلمات و واژگان برگزیده‌ای که علاوه بر نداشتن «سوء پیشینه»، از هویت دینی، آیینی و شیعی برخوردار باشند.

\*\*\*

کرب و بلا، باغ گل پرپر است

روی زمین «نعش» علی اکبر است

\*\*\*

آمد به سوی «نعش» علی اکبر جوان

بنهاد سر به سینه و بنشست در برش

\*\*\*

افتاده در کرب و بلا «نعش» حسینم

از ماتم خون خدادار شور و شینم

\*\*\*

بکن به «نعش» عموم چنین خطاب پدرجان  
ز جای خیز که کس انتظار آب ندارد  
«نعش» یعنی «جنازه» و جنازه اشاره به کسی دارد که مُرده است و مانند اشیاء دیگر بی جان و بلا اثر است که این معنا و مفهوم با روح فرهنگ اسلامی سازگاری ندارد. حال آن که «شهید» طبق آیات قرآنی زنده است

## «شعر آیینی» و کژراهه های واژگانی



و از خوان گسسترده الهی روزی می‌خورد. از همین رو اطلاق عنوان «نعش» و جنازه بر شهیدان راه حق، جفایی بزرگ است. زیرا خداوند در آیه ۱۶۹ سوره «آل عمران» می‌فرماید: «وَلَا تُحْسِنُوا لِلَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالَهُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ: هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مُرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد

پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

بااستناد به متن صریح آیات و روایات، مانه تنها در مورد انبیا و اولیا، بلکه در مورد همه انسان‌های صالحی که در سایه سار بندگی حضرت حق زندگی می‌کنند و کمر به خدمت خلق بسته‌اند، بعد از مرگ، مجاز به کاربرد چنین واژه‌ای نیستیم. بر اساس آموزه‌های دینی، کسی که در راه خدمت به خلق خدا بمیرد، شهید است. از این منظر، برای انسان مؤمنی که عمری را در محراب بندگی خدا گذرانده است، مرگی در کار نیست و طبق متن صریح بسیاری از آیات و روایات، بندگی خدا و خدمت به خلق، او را در شصهار شهیدان در می‌آورد.

چنان که حضرت سعدی در بیتی گفته است:

سعدیا، مردنکونام نمیرد هرگز  
مُرده آن است که نامش به نکویی نیرند

### شاعر آیینی، سخن گوی «مکتب» است

توجه به این نکته کلیدی ضروری است که ساخت شعر آیینی، ساحت «هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو» نیست. در این عرصه، مضمون یابی مثل عرصه «آزاد سروده‌ها» صرفاً یک کار ذوقی و سلیقه‌ای نیست و شاعر نمی‌تواند تنها و تنها به مدد قدرت تخیل، تصویرپردازی و صنعتگری، به هر مضمون غریب یا خوشایندی چنگ اندازد و سیمای بزرگان دین را به هر گونه‌ای که دوست دارد بر بوم شعر به تصویر بکشد.

در این وادی، شاعر باید امین، صادق، متخلق به اخلاق اسلامی و آراسته به ادب قرآنی باشد و در دایره آموزه‌های مبتنی بر دین و برگرفته از قرآن حرکت کند. به تصویر کشیدن سیمای بزرگان دین در شعر آیینی

باید دقیقاً منطبق بر سیره عملی و سلوک ایمانی و قرآنی آن بزرگواران باشد. فرایند خیال پردازی و پرواز ذهنی شاعر در این وادی، باید اندیشیده و رسالت‌مندانه باشد تا شاعر بتواند چهره‌ای واقعی، بی تحریف و پیراسته از خرافات را از انمه هدی (علیهم السلام) به تماشا بگذارد. سیمایی روشن و زلال که قابلیت الگوبرداری از آن برای زندگی انسان معاصر وجود داشته باشد.

با عنایت به آنچه گفته شد، شاعر آیینی نمی‌تواند «نباید» افسار ذهن و زبان خود را تنها و تنها به دست خیال و حشی بسپارد و همچون سایر عرصه‌ها بر طبل «خلاف آمد عادت» بکوبد و خواهان «سعادت» باشد، چرا که در این عرصه «خلاف آمد عادت» معنا ندارد. زیرا در این عرصه، شاعر بر مسند انبیا و اولیاء الهی که رسالت شان اصلاح گری و تربیت نفوس است تکیه زده است.

مقام شاعر در این وادی، مقام سخنگوی یک مکتب و آیین است و سخنگو در مقام سخنگویی نمی‌تواند و نباید بیان کنسده مواضع و دیدگاه‌های خویش برای پیروان و سالکان آن مکتب باشد. اگر در عرصه‌های دیگر می‌توان بدون هیچ آداب و ترتیبی سخن گفت، اینجا اتفاقاً باید «ادب و آداب» را به‌جا آورد و آن گونه ظاهر شد که «معشوق» می‌خواهد. عرصه شعر آیینی، مقام خوددینی، خودرایی و خودخواهی نیست، مقام ذوب شدن در «معشوق» و «فنا فی الله» است، چنان که سعدی شیرازی - که رحمت خدا بر او باد - می‌گوید:

گویند تمنایی از دوست بکن سعدی

جز دوست نخواهم کرد، از دوست تمنایی در واقع، در این وادی، دیگر «من» و «منیتی» نیست و هر چه هست «او» ست و دقیقاً رمز سربلندی شاعران آیینی نیز در همین نکته و دقیقه ظریف نهفته است. چنان که «هلال جغتایی» می‌گوید:

جایی رسیده ایم که از خود گذشته ایم  
از خود گذشته ایم و به جایی رسیده ایم

### حرف آخر

جان کلام آن که اگر سرنوشت شعر آیینی برای ما مهم است، برای ارتقاء و اعتلای شعر آیینی - بی هیچ ملاحظه و مصلحتی - باید ساحت مقدس این گونه ادبی را از واژه‌های زرد، وحشی، و نامحرم پاکسازی کنیم. امروز بهترین راهکار برای پالایش و پیرایش شعر آیینی و مداحی از کژراهه‌های اعتقادی و مضمونی، نگاه قرآنی است.

نکته دیگر این که برای ارتقای شعر آیینی و هیئت - به خصوص نوحه‌ها و مرثیه‌ها - که ارتباطی تنگاتنگ با شعر آیینی دارد، ضرورت دارد به این مقوله نگاه علمی‌تری داشته باشیم. متأسفانه گاهی در شعرها و نوحه‌ها برای اظهار خاکسپاری و ارادت به اهل بیت از واژگان و تعبیر سخنی استفاده می‌شود که با کرامت و عزت نفس انسانی در تقابل است.

اظهار خاکسپاری و فروتنی در مقابل خاندان رسالت کار پسندیده‌ای است، ولی این اظهار فروتنی باید در دایره آموزه‌ها و تعالیم دینی صورت گیرد و فراتر از آن مجاز نیست. چرا که با بیرون نهادن از این دایره تعریف شده، یعنی حرکت در مسیری مخالف با رسالت انبیا و اولیای الهی. یادمان باشد که فلسفه بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) احیای مکارم اخلاقی است. با عنایت به این مهم، به کار بردن تعبیر سخیف و غیر متجانس با فرهنگ اسلامی در شأن یک شاعر اصیل آیینی نیست و بدون هیچ تریسیدی انمه معصومین (ع) نیز هرگز به این کار راضی نیستند. چنان که وقتی از مقام معظم رهبری در مورد به کار بردن چنین الفاظی در عزاداری‌ها استفاده می‌کنند، ایشان می‌فرمایند که در نوحه‌ها و مرثیه‌ها ز به کار بردن الفاظی که هیچ گونه گشایش و بهجتی در جان شنونده ایجاد نمی‌کنند، باید پرهیز کرد:

«یک چیزهایی هست که گفتن آنها هیچ گشایشی و هیچ فتوحی در ذهن شنونده شما به وجود نمی‌آورد. هیچ بهجتی در جان مستمع شما به وجود نمی‌آورد. اینها را نگویند. خوب، اگر بنا شد نیت خدائی باشد، پس باید شما نگاه کنید ببینید کدام بیان، ذکر کدام منقبت، بیان کدام فضیلت، مخاطب شما را هدایت می‌کند... آن چیزهایی را بگویید که دلها را نرم می‌کند، خاشع می‌کند، به پیروی از بزرگان دین راغب می‌کند. آن چیزهایی را بگویید که می‌تواند مستمع شما را به پیمودن راهی که آن بزرگواران رفتند، تشجیع کند، تشویق کند. اینها فکر لازم دارد، آموزش لازم دارد. کار، آسان نیست.»



## امروز در تاریخ

## آغاز نشست سران متفقین در ایران

۲۴ مهرماه سال ۱۳۲۲ وزیران امور خارجه آمریکا و انگلستان که با شوروی ایران را در اشغال نظامی داشتند به تهران آمدند تا مقدمات نشست سران این سه کشور را که در جنگ بر ضد آلمان و ژاپن با هم متحد بودند در پایتخت ایران فراهم سازند و سپس برای تنظیم برنامه مذاکرات به مسکو بروند. تعیین تکلیف بود. پس از جنگ که از جمله برنامه‌های آن نشست بود.

### دکتر مصدق قطع روابط با انگلستان را اعلام کرد

۲۴ مهر ۱۳۳۱، دکتر مصدق در مجلس شورای ملی قطع روابط با انگلستان را اعلام کرد. وی طی سخنرانی خود گفت که قطع رابطه با این دولت مداخله‌گر تأثیر در روابط و علائق مردم دو کشور نخواهد داشت. مادر ۱۹ ماه گذشته کوس رسوائی دولت استعمارگر لندن را زدیم و آبرویش را در دنیا بریدیم و اقتدار آن را تاوانستیم تضعیف کردیم. ما روابط گریک با میش را نمی‌خواهیم.

## انتشار یادداشت‌های دریانورد یونانی

یادداشت‌های باقی‌مانده از یک دریانورد یونانی که در سال ۱۰۶ میلادی نگاشته شده بود، برای نخستین بار در ۱۶ اکتبر سال ۱۹۲۱ به صورت ضمیمه یک کتاب اکتشافات جغرافیایی انتشار یافت.

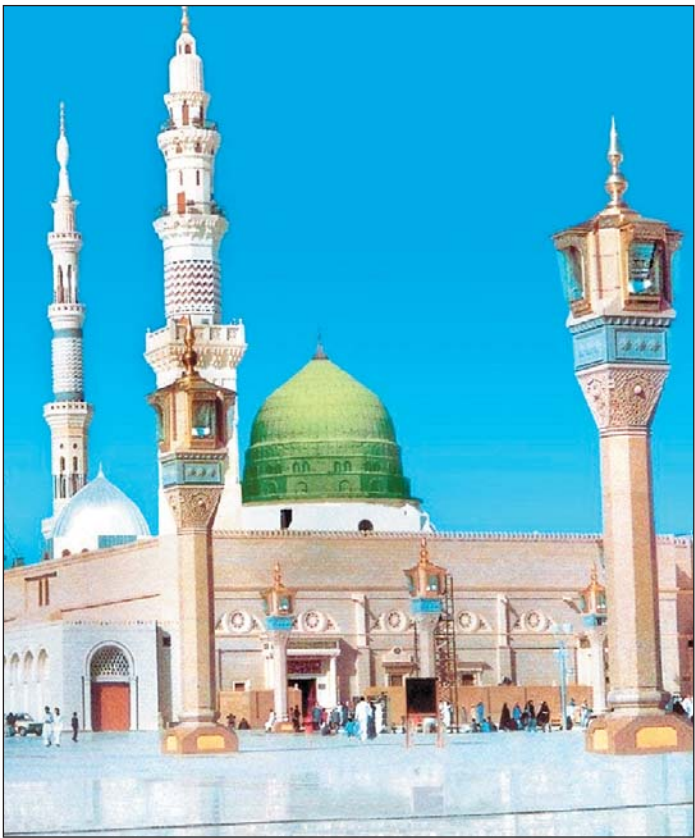
وی در این یادداشت‌ها نقشه راه‌های کشیانی دریای سرخ و غرب اقیانوس هند و اوضاع جغرافیای انسانی، اقتصادی و طبیعی مناطق ساحلی این آب‌ها را ترسیم و روشن ساخته و از دریای سرخ و حاشیه اقیانوس هند به نام دریای «اریتره» اسم برده است. وی موکا را مهمترین بندر این منطقه خوانده و نوشته است که جزیره زنگبار مرکز عمده تجارت برده سیاهپوست و صدور ادویه است. از سواحل به عنوان سرزمین بدون حکومت و قانون یاد کرده و جنبشی‌های هارا مردمانی متمدن و پس آramش طلب خوانده است.

## آغاز راهپیمایی طولانی کمونیست‌های چین

شانزدهم اکتبر ۱۹۳۴ روزی است که راهپیمایی طولانی «هشت هزار کیلومتری» کمونیست‌های مسلح چین که در محاصره نیروهای نظامی جمهوری ملی چین قرار گرفته بودند به سوی شمال این کشور آغاز شد. این راهپیمایان ضمن راه، مائو تسه دونگ را به دبیر کلی حزب کمونیست چین برگزیدند.

[www.iranianshistoryonthisday.com](http://www.iranianshistoryonthisday.com)

## قاب امروز



مسجد النبی در مدینه منوره

## سرایه

خورشید سر زد از سحرَتِ آیها الغریب  
از سمت چشم‌های تَرَتِ آیها الغریب  
تو ابر رحمتی که به هر گوشه سر زدی  
باران گرفت دور و برَتِ آیها الغریب  
جاری ست چشمه چشمه قدمگاه تو هنوز  
جنت شده ست رهگذرَتِ آیها الغریب

تو آفتاب رفتی و کوچه کوچه شهر  
در سایه سار بال و پرت ایها الغریب  
با این همه، غریبِ غریبانِ عالمی  
داغیِ ننشسته بر جگرت ایها الغریب

یوسف رحیمی

۲۸۵۷ سودوگو

		۷	۴	۱				
۲				۵				۶
۴		۶				۸	۵	
			۶	۳			۲	
		۲				۶		
	۳			۲	۱			
	۷	۸				۳		۲
۵				۷				۱
				۴	۲	۵		

1	3	9	7	5	6	4	8	2
4	8	2	1	3	9	7	5	6
7	5	6	4	8	2	1	3	9
9	1	3	6	2	7	5	4	8
5	7	4	9	1	8	6	2	3
6	2	8	3	4	5	9	1	7
8	9	1	5	6	3	2	7	4
3	4	7	2	9	1	8	6	5
2	6	5	8	7	4	3	9	1

حل ۲۸۵۶

۵۳۷۰ جدول شرح در متن غلامحسین باغبان

ری از آتاتول	ج	نیستی	سنگریزه	شکیبایی	زن بابا
فرانس		شکاف	واحد طول	نایفه ایرانی	
کعبان محبس					
بدد و کمک			سود حرام		
روارید درشت			زمانه		
		سلسله کریم خان		اندر طویوت	
		عمیرت و پند		ننگه ای در ترکیه	
		فروان ، بسیار			
		سلاح گوزن			
مدرسه			برگه دریافت		
ختر دستان			کالا		
جهش			روشنایی		
				فلز مرتجع	
بشر	گ	مستبد		د	
بذله گو		بزرگ و سرور			
		پدھی ها			
		نوعی کباب			
جمع قید					
قائم مقام					
م					
دور افتاده					
ملودی					